

نامه مشترک به دبیرکل سازمان ملل متحد

جناب آقای بان کی مون
دبیرکل محترم سازمان ملل متحد

عالی جناب!

همان طور که اطلاع دارید، گردانندگان دولت جمهوری اسلامی ایران در انتخابات ریاست جمهوری روز ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۹ (۲۲ خرداد ۱۳۸۸) با دستبردن در آراء مردم، محمود احمدی نژاد را به عنوان رئیس جمهور از صندوقهای رای بیرون آوردند؛ همزمان با این اقدام غیرقانونی، نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی را در خیابانها مستقر نموده است؛ صد ها نفر از فعالان سیاسی و فرهنگی را بدون ارائه هر گونه دلیلی بازداشت کرده است.

میلیونها ایرانی در اعتراض به تقلب وسیع در انتخابات به خیابانها آمده و خواستار ابطال انتخابات شدند. اما دولت جمهوری اسلامی، راهپیمایی های مسالمت آمیز و تجمعات گستره مردم در سراسر کشور را با تمام وسائل ممکن و حتی شلیک به سوی مردم بی دفاع و کشتن آنها مورد یورش قرار داد. در حمله نیروهای سرکوب حکومتی به تجمعات مردم تاکنون ده ها نفر جان باخته اند؛ صد ها نفر زخمی و طبق آمار رسمی و هزاران نفر بازداشت شده اند.

عالی جناب!

از همان روز انتخابات تاکنون، سانسور بر مطبوعات تشدید شده و تمامی مجاری ارتباطی مردم تحت کنترل حکومت درآمده است. دسترسی به رسانه ها از جمله اینترنت و استفاده از امکانات ارتباطی دیگر با جهان خارج محدودتر از پیش گشته است. همزمان، رژیم حاکم با توسل به همه امکانات تلاش می کند که جو ترس و وحشت را در جامعه حاکم کند، تا مردم از اعتراض به تعرض بر حقوق شهروندی شان دست بردارند. خانواده های قربانیان سرکوب خونین تجمعات آرام مردم از حق برگزاری مراسم برای عزیزانشان محروم شده اند. خانواده های بازداشت شدگان در معرض تهدید ماموران دولتی قرار دارند. روزنامه های دولتی خبر از ندامت سازی زندانیان بازداشت شده و برگزاری شوهایی تلویزیونی و شهادت علیه خودشان داده اند. همه شواهد حاکی از آن است که بازداشت شدگان زیر شکنجه و اذیت و آزار

قرار دارند تا بر ادعاهای دروغ رهبران حکومت در سازماندهی سرکوب اعتراضات حق طلبانه مردم صحنه بگذارند.

عالی جناب!

جان بازداشت شدگان و زندانیان حوادث اخیر در کشور ما در معرض خطر جدی قرار دارد. رئیس قوه قضائیه اگر چه زیر فشار افکار عمومی، هیاتی را برای روشن نمودن سریع وضعیت بازداشت شدگان تعیین کرده است، اما ترکیب این هیات خود دلیل مضاعف دیگری بر این نگرانی است. سوابق اعضای هیات ویژه قوه قضائیه در زندان ها جای تردیدی باقی نمی گذارد که حفظ جان بازداشت شدگان نیازمند اقدام فوری و عاجل است. دو نفر از اعضای این هیات، آقایان رئیسی معاون اول رئیس قوه قضائیه و پور محمدی رئیس کل بازرسی کشور از جمله کسانی هستند که مستقیماً در قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷، شرکت مستقیم داشتند و نفر سوم آقای دري نجف آبادي دادستان کل کشور است که در دوران مسئولیت او در دولت در پائیز سال ۱۳۷۷، وزارت اطلاعات مستقیماً دست به ترور و قتل فعالان سیاسی و نویسندگان زد که به قتل های زنجیره ای معروف است. اکنون قرار است این آقایان در مورد سرنوشت هزاران بازداشتی روزهای اخیر تصمیم بگیرند.

ما امضا کنندگان این نامه از شما می خواهیم که:

نه رژیم جمهوری اسلامی مقبولیت مردمی دارد و نه آقای احمدی نژاد رئیس جمهور رسمی ایران است. او منتخب مردم ایران نیست. ریاست جمهوری او محصول تقلب در آراء مردم و دولت تحت مسئولیت او غیر قانونی و فاقد مشروعیت است، حضور احمدی نژاد در مجامع بین المللی، تحت عنوان نماینده کشور ایران، مغایر با رای و اراده آزاد مردم ایران است؛ لذا دعوت او به این مجامع نیز، بی توجهی به حق انتخاب مردم ایران محسوب خواهد شد.

هر چه سریعتر هیات ویژه ای را برای بازرسی از زندان ها و گزارش در مورد وضعیت بازداشت شدگان به ایران بفرستید؛

این هیات همچنین با خانواده های کشته شدگان در اعتراضات اخیر تماس گرفته و شرح چگونگی کشته شدن بستگان آنان و رفتار مأموران دولتی را با آنان در جریان مراسم خاکسپاری جویا شود؛

از دولت ایران با تاکید هر چه تمام تر بخواهید که حقوق بشر را رعایت کند و به حقوق شهروندان کشور احترام بگذارد، بازداشت شدگان اخیر و زندانیان سیاسی دیگر را آزاد کند؛

پورش به تجمعات آرام مردم را متوقف کند. حقوق قانونی و انسانی

شهروندان کشور را رعایت نماید.
از رژیم ایران بخواهید که سانسور رسانه ها را متوقف کند و مجاری
اطلاع رسانی را باز نماید.

با تقدیم احترام
حزب دموکرات کردستان ایران
حزب کومه له کردستان ایران
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران
شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران

تظاهرات 18 تیر

فیلم تظاهرات در تهران 18 تیر

http://www.youtube.com/watch?v=iCOApTqq3iQ&feature=player_embedded

فیلم شماره 3 بلوار کشاور 18 تیر 88

http://www.youtube.com/watch?v=hTj4T2UVInQ&feature=player_embedded

فیلم شماره 2 بلوار کشاور 18 تیر 88

http://www.youtube.com/watch?v=AGKFtVwX40E&feature=player_embedded

فیلم تظاهرات 18 تیر 88 در خیابان کارگر

http://www.youtube.com/watch?v=QC1n5lf_U04&feature=player_embedded

ویدیوی از وقایع امروز تهران: ای دولت کودتا...استعفا استعفا ده

<http://www.youtube.com/watch?v=W-46HmGAfeM>

18 تیر : ویدئو کلیپ خیابان کارگر شمالی تهران دقایقی پیش

<http://www.youtube.com/watch?v=UMY13NZN598>

18 تیر : ویدئو کلیپ خیابان کارگر شمالی تهران دقایقی پیش

<http://www.youtube.com/watch?v=UMY13NZN598>

http://www.youtube.com/watch?v=rJE1Znr6C8Y&feature=player_embedded

http://www.youtube.com/watch?v=yo_0kl6p5tg

تظاهرات ۱۸ تیر شعار مرگ بردیکتا تور ۸۸

http://www.youtube.com/watch?v=d_19Z6Xq-Tk

تظاهرات ۱۸ تیر: شعار مرگ بر خامنه ای ۸۸

http://www.youtube.com/watch?v=8zLMsQZD5_s

شعارها ی مردم " مجتبی بمیری رهبریتو نبینی" مرگ بر خامنه ای

حمله نیروهای لباس شخصی به خوابگاه های دانشگاه امیرکبیر

[/http://www.autnews.me](http://www.autnews.me)

پنجشنبه، ۱۸ تیر، ۱۳۸۸

خبرنامه امیرکبیر: نیروهای لباس شخصی مجهز به سلاح های سرد و گرم با همراهی موتورسواران سازماندهی شده به برخی از خوابگاه های دانشگاه امیرکبیر حمله کردند.

نیروهای لباس شخصی در ساعت ۲۰:۳۰ امشب در حمله به خوابگاه گلشن در خیابان به آفرین، با ورود به خوابگاه، تعدادی از دانشجویان و نگهبانان خوابگاه را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

به گزارش خبرنامه امیرکبیر، نیروهای لباس شخصی بخش هایی از ساختمان و امکانات خوابگاه را نیز تخریب کردند. در این حمله این افراد از گاز اشک آور استفاده کرده و به سالن مطالعه، حمام، نمازخانه و طبقات مختلف خوابگاه گلشن حمله کردند.

از وضعیت چند تن از دانشجویان این خوابگاه پس از این حملات اطلاعی در دسترس نیست. همچنین نیروهای لباس شخصی به همراهی نیروهای نظامی به درب خوابگاه یآوری دانشگاه امیرکبیر نیز مراجعه نموده و به تهدید دانشجویان پرداختند.

نیروهای لباس شخصی اعلام کرده اند که امشب مجدداً به خوابگاه ها حمله خواهند کرد.

تظاهرات ۱۸ تیر در اصفهان ۳۰۰ نفر دستگیر شدند

<http://www.akhbar-rooz.com/>

۱۹ تیر ۱۳۸۸

• روز ۱۸ تیر در شهر اصفهان نیز تظاهرات پراکنده ای صورت گرفت. بنا به گزارش ها در این تجمعات حدود سیصد نفر دستگیر شدند ...

روز ۱۸ تیر، دهمین سالگرد یورش ماموران حکومت به خوابگاه دانشجویان، در شهر اصفهان نیز تظاهرات پراکنده ای صورت گرفت. بنا به گزارش ها در این تجمعات حدود سیصد نفر دستگیر شدند.

امروز صبح خانواده های بازداشت شدگان در برابر بازداشتگاه پلیس امنیت اخلاقی تجمع کردند و

هنگامی که صدای جوانان بازداشت شده از داخل بازداشتگاه به گوشش رسیدند که درخواست آب می کردند، خانواده ها به اعتراض برخاستند و با سنگ به درب بازداشتگاه کوبیده و فریاد الله اکبر سر دادند. آن ها خواستار رسیدگی به وضعیت بازداشت شدگان شدند. یگان ویژه ی مستقر در بازداشتگاه، خانواده ها را متفرق کرده و دیگر اجازه ی تجمع در مقابل بازداشتگاه را به آنان نداد.

مرگ بر دیکتاتور -اعتراضات خیابانی در تهران

www.akhbar-rooz.com

پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۳۸۸

• علیرغم حضور گسترده ی نیروهای پلیس در خیابان ها و میدانی مرکزی تهران که این شهر را به یک شهر اشغال شده تبدیل کرده، انبوه مردم در خیابان ها حضور یافته و تظاهرات اعتراضی برپا کردند. مردم و جوانان دست در دست هم با شعار مرگ بر دیکتاتور و ما همه با هم هستیم، این فضا ی حکومت ساخته که «همه چیز تمام شد» را بی اعتبار ساختند و نشان دادند که جنبش آزادی خواهانه ی ایران همچنان زنده است و تا رسیدن به هدف خود زنده خواهد ماند. ۱۸ تیر ۱۳۸۸، غلبه ی اراده ی مردم آزاده خواه و مصمم بر نیروی گسترده ی سرکوب بود .

امروز جوانان و مردم شجاع تهران، بر حکومتی که همه ی نیروهای سرکوبگر خود را بسیج کرده بود، پیروز شدند و توانستند صدای فریادهای اعتراض آمیز خود از جمله «مرگ بر دیکتاتور» را بر فراز شهر تهران طنین انداز کنند. نیروهای انتظامی علیرغم خشونت های بسیاری که به کار بردند، نتوانستند مانع تجمعات اعتراضی شوند و مردم نشان دادند حتی در زیر بیشترین آمادگی ها و شدیدترین سرکوب ها نه تنها به گفته ی استاندار تهران «له» نمی شوند، بلکه دست از خواست های آزادی خواهانه ی خود بر نمی دارند.

18 تیر 1388، مردم تهران نشان دادند اراده ی و خواست خلق را نمی توان سرکوب و نابود کرد. تظاهرات امروز امید به ادامه ی مبارزات ضددیکتاتوری و آزادی خواهانه ی مردم ایران را بار دیگر شعله ور ساخت و به این قصه که «تمام شد» مهر باطل کوبید.

به گزارشاتی از منابع مختلف در مورد تظاهرات امروز مردم تهران توجه کنید:

درگیریهای شدید در میدان انقلاب و شعار مرگ بر خامنه ای

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران: بنابه گزارش رسیده از میدان انقلاب تهران، مردم و جوانان بصورت بسیار گسترده در میدان انقلاب و خیابانهای 16 آذر و کارگر و اطراف آن تجمع کردند و با نیروهای سرکوبگر درگیر شدند.

جوانان و مردم طی درگیری های که با نیروهای سرکوبگر داشتند توانستند راه را باز کنند و بسوی میدان انقلاب حرکت کنند در میدان انقلاب، 16 آذر و خیابان کارگر بیشترین تعداد جمعیت متمرکز هستند. تعداد جمعیت در آنجا به هزاران نفر می رسد و هر لحظه بر تعداد آنها افزوده می شود. درگیریها در این مناطق بسیار گسترده است و تعداد زیادی از جوانان دستگیر شدند. فقط در میدان انقلاب ساعت 19:30 در حدود 16 نفر دستگیر شدند آمار دستگیری ها بسیار زیاد است. همچنین تعداد زیادی از مردم در اثر ضربات باتوم بشدت زخمی شدند. بصورت گسترده اقدام به پرتاب گاز اشک آور و گاز فلفل می کنند. درگیریها بشدت ادامه دارد.

با هر حمله ای که توسط نیروهای سرکوبگر صورت می گیرد و جوانان دستگیر می شوند جمعیت یک صدا شعار مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور را سر میدهند. همچنین جوانان وقتی که به مقابله با نیروهای سرکوبگر بر می خیزند با شعار نترسید نترسید ما همه با هم هستیم را سر میدهند. نیروهای تحت امر ولی فقیه علی خامنه ای، گارد ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی ها بصورت گسترده ای و بی سابقه ای در مناطق مرکزی حضور دارند و بصورت وحشیانه به مردم بی دفاع یورش می برند. بنابه گفتهی شاهدان عینی با تمام توان نیروهای خود را وارد آنجا کرده اند و همچنین به تعداد آنها افزوده می شود.^۶

اعتراضات مردم به نقاط مختلفی تهران گسترش یافته است

فعالان حقوق بشر و دموکراسی در ایران: بنابه گزارش رسیده از تهران، تعداد زیادی از مردم و جوانان در حال حاضر بسوی میدان آزادی در حرکت هستند.

مردم و جوانان از طرف میدان آزادی و توحید و سایر خیابانها که قصد داشتند به سوی میدان انقلاب بروند و در آنجا اجتماع خود را برگزار کنند با انبوهی از نیروهای سرکوبگر مواجه شدند و راه آنها را سد کردند. گفته می شود مسیر توحید به سوی انقلاب بصورت کامل توسط سرکوبگران بسته شده. مردم و جوانان مسیر خود را عوض کردند و به سوی میدان آزادی در حال حرکت هستند. گزارشهایی حاکی از تجمع مردم در میادین مختلف شهر است. همچنین لحظه به لحظه بر تعداد جمعیت افزوده می شود. اعتراضات بصورت متمرکز نمی باشد بلکه در سطح شهر پراکنده شده است.

جوانان با شعارهایی مانند مرگ بر دیکتاتور و نترسید نترسید ما همه با هم هستیم به اعتراضات خود ادامه میدهند.

نیروهای گارد ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی ها بصورت بسیار گسترده ای در خیابانها تهران حضور دارند. آنها با باتوم و گاز اشک آور بسوی مردم حمله می کنند و مردم را مورد ضرب و شتم خود قرار میدهند. همچنین هلی کوپترهای نظامی بر فراز خیابانهای تهران به پرواز در آمده اند.

اطراف دانشگاه تهران، صحنه تظاهرات ۱۸ تیر و حمله نیروهای انتظامی

دوپیچه وله: ده روز پس از آخرین تظاهرات اعتراضی به نتایج انتخابات، تهران امروز مجدداً صحنه تظاهرات شماری از مخالفان و معترضان بود. این تظاهرات که به مناسبت ۱۸ تیر برگزار شد، با حمله ی پلیس و دستگیری شماری از تظاهرکنندگان توأم شد.

از چند روز پیش شماری از سایت های خبری و سیاسی از برگزاری تجمع های اعتراضی در روز جاری خبر داده بودند. انگیزه ی این تجمع ها همزمانی امروز با دهمین سالگرد واقعه ی حمله به کوی دانشگاه تهران در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ اعلام شده بود.

حرکت اعتراضی امروز در حالی برگزار شد که استانداری تهران از مجازنبودن تظاهرات خبر داده بود و مسئولان انتظامی به جلوگیری از هر گونه تجمع تهدید کرده بودند. سیستم ارسال پیامک از چند روز پیش قطع شده بود و به هنگام بالاگرفتن تظاهرات امروز، تلفن های همراه نیز در منطقه ی اطراف میدان انقلاب از کار افتادند. مخالفان این اقدام های دولت را تلاش برای اخلاص در هماهنگی ها و خبررسانی های تظاهرات کنندگان می دانند.

خبر دیگری از تهران حاکی از آن بود که شماری از مردم نیز که با اتومبیل از منطقه ی تظاهرات عبور می کردند با بوق زدن با تظاهرکنندگان اعلام همبستگی کردند.

شبکه تلویزیونی سی ان ان در گزارشی از تهران شمار شرکت‌کنندگان در تظاهرات اعتراضی امروز را بین ۲ تا ۳ هزار نفر اعلام کرد. بنا به این گزارش، به رغم اقدام پلیس ضد شورش در بستن خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران، شماری از تظاهرکنندگان کوشیدند خود را به این منطقه برسانند. نیروهای بسیج و پلیس به سوی تظاهرات‌کنندگان گاز اشک آور پرتاب و تعدادی از آنها را دستگیر کردند.

خبرگزاری رویترز نیز به نقل از یک شاهد عینی خبر داد که نیروهای پلیس در مقابله با تظاهرکنندگان به تیراندازی هوایی دست زدند و عده‌ای را نیز بازداشت کردند. تصاویری از تظاهرات امروز نیز بلافاصله از طریق سایت یوتیوب منتشر شدند.

بنا به گزارش شاهدان عینی تظاهرات‌کنندگان شعارهایی همچون «مرگ بر دیکتاتور»، «یا حسین، میرحسین»، «نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم» سر داده بودند.

تا لحظه تنظیم این گزارش، (ساعت ۲۱ به وقت ایران) تظاهرات امروز تهران در رسانه‌های داخلی بازتابی نداشت. با این همه یکی از سایت‌های هوادار میرحسین موسوی در خبری کوتاه نوشت: «در ساعت ۱۷ و ۱۵ دقیقه امروز حدود هزارتن از مردم در حال حرکت به سمت خیابان ولیعصر از میدان انقلاب بودند که با برخورد ماموران مواجه شدند.»

لازم به یادآوری است که ۱۰ سال پیش در چنین روزی شماری از نیروهای انتظامی، بسیجی و لباس شخصی کوی دانشگاه تهران را مورد هجوم قرار دادند تا دانشجویان معترض به سانسور و توفیق روزنامه‌ها را سرکوب کنند. شمار زیادی از دانشجویان در این حمله مجروح شدند و دست کم یکی از آنها جان باخت.

این حمله تظاهرات و اعتصاب‌هایی را به دنبال داشت که تا ۲۵ هزار نفر در آن شرکت داشتند و پدیده‌ترین موج حرکت اعتراضی علیه جمهوری اسلامی ایران از زمان استقرار آن بود. این اعتراض نهایتاً با سرکوب شدید نیروهای انتظامی و بسیجی سرکوب شد. در ۱۰ سال گذشته هر سال به مناسبت ۱۸ تیر برنامه‌های محدود یا گسترده‌ای از سوی محافل دانشجویی برگزار شده است.

درگیری پلیس و نیروهای ضد شورش با هزاران معترض در تهران

رادیو فردا: تجمع و راهپیمایی هزاران نفر در تهران به مناسبت سالگرد حادثه ۱۸ تیر در روز پنجشنبه به درگیری با پلیس ضد شورش انجامید و نیروهای امنیتی به سوی معترضان گاز اشک آور پرتاب کردند. گزارش‌های دریافتی از شاهدان عینی از تهران حاکی است که تظاهرکنندگان با سر دادن شعارهای «مرگ بر دیکتاتور» از مسیرهای مختلف به سمت خیابان انقلاب و دانشگاه تهران حرکت کرده و با حضور گسترده نیروهای امنیتی روبرو شده‌اند.

نیروهای ضد شورش، بسیجی و لباس شخصی با حمله به تظاهرکنندگان با باتوم و سلاح‌های سرد دیگر به ضرب و شتم آنها پرداخته‌اند و برای جلوگیری از هرگونه تجمع بزرگی، گاز اشک آور به در بزرگ دانشگاه تهران شلیک می‌شود.

به رغم هشدارهای امنیتی مقام‌های جمهوری اسلامی ایران مبنی بر برخورد شدید با هرگونه تجمع و راهپیمایی به مناسبت سالگرد حمله به کوی دانشگاه تهران، معترضان به نتایج انتخابات دهم ریاست جمهوری در روزهای اخیر از تصمیم برای برگزاری اعتراض خیابانی در روز پنجشنبه خبر دادند.

در فراخوان‌های صورت گرفته در سایت‌های اینترنتی، مسیرهای میدان ونک، قندی، امام حسین،

توپخانه، راه آهن، آزادی، رودکی، صادقیه و کارگر به عنوان محل تجمع و آغاز راهپیمایی روز ۱۸ تیر اعلام شده بود.

پلیس تمام این مسیرها را با حضور نیروهای ضد شورش تحت کنترل شدید امنیتی خود در آورده است ولی به رغم این حضور گسترده، راهپیمایی دسته های پراکنده معترضان به سمت دانشگاه تهران گزارش شده اند.

هلی کوپترهای نظامی وابسته به سپاه پاسداران هم اکنون بر فراز شهر تهران در پرواز هستند و سیستم تلفن همراه در پایتخت ایران دچار اختلال شدیدی شده است. در روزهای گذشته امکان ارسال پیام کوتاه از طریق موبایل برای دومین بار ظرف یک ماه گذشته به طور کامل قطع شد.

شلیک تیرهوایی از سوی نیروهای امنیتی در تهران

بی بی سی: با وجود تلاش نیروهای امنیتی برای ممانعت از برگزاری تجمعی به مناسبت دهمین سالگرد حوادث ۱۸ تیر، معترضان به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در اطراف میدان انقلاب تهران تجمع هایی برگزار کرده اند و اخباری درباره شلیک گاز اشک آور به سمت آنها در اطراف دانشگاه تهران منتشر شده است.

چهار هفته پس از آنکه اعلام پیروزی محمود احمدی نژاد در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران به ناآرامی گسترده در سطح ایران منجر شد، تظاهرات معترضان به نتیجه انتخابات در تهران به درگیری با نیروهای امنیتی انجامید و به گزارش خبرگزاری رویترز پلیس در مواردی مجبور به استفاده از تیر هوایی برای متفرق کردن معترضین گردید.

بر اساس اخبار دریافتی نقاط مختلفی از شهر تهران، از جمله خیابان کارگر و نزدیکی میدان انقلاب، صحنه وقوع تجمع های اعتراضی بوده است و خبرگزاری رویترز درگیری ها را شدیدترین از زمان توقف اعتراض های عمومی در تهران خواند.

خبرگزاری فرانسه از شکسته شدن شیشه های یک بانک دولتی در جریان اعتراض ها خبر داد و نوشت نیروهای انتظامی پلاک اتومبیل هایی که رانندگانشان بوق می زدند را ضبط کرده است.

به گفته یک شاهد عینی در غرب میدان انقلاب تهران و در کوچه های خیابان جمالزاده و آزادی تجمع تعداد زیادی از معترضان رخ داد که برای حرکت به سمت میدان انقلاب تلاش می کردند.

اما به گفته این منبع هجوم افراد معترض به سمت میدان انقلاب با پرتاب گاز اشک آور از سوی نیروهای امنیتی مواجه شد و آنها پس از تجمع دوباره به کوچه های اطراف رانده می شدند.

چندین نفر از معترضان توسط نیروهای انتظامی دستگیر شده اند، هر چند هنوز تعداد دقیق دستگیر شدگان مشخص نیست.

دلیل تجمع در غرب میدان آزادی، حضور گسترده و تلاش نیروهای امنیتی برای در اختیار گرفتن کنترل مناطق شرقی این میدان بود که محل دانشگاه تهران در آنجا قرار دارد.

گزارش هایی مبنی بر قطع خدمات تلفن همراه در برخی مناطق تهران نیز مخابره شده است.

یکی از تصاویری که از طریق سایت یوتیوب منتشر شده، معترضان را در بلوار کشاورز، مقابل ساختمان وزارت کشاورزی نشان می دهد که شمار زیاد آنها باعث توقف ترافیک به سمت خیابان کارگر شده است.

معترضان در این ویدئو از ممانعت نیروهای امنیتی از حرکت تظاهرکنندگان به سمت میدان انقلاب سخن

می گویند.

رویترز همچنین به نقل از یک شاهد عینی دیگر از گردهم آیی "گروهی از اصلاح طلبان" مقابل دفتر سازمان ملل متحد در شمال تهران خبر داد آخرین بار، تهران حدود یازده روز قبل و در مراسمی که به مناسبت سالروز حادثه بمبگذاری هفتم تیر برگزار شد، صحنه برگزاری تجمعی از معترضان به نتیجه انتخابات بود. با فرا رسیدن شب، از شدت اعتراض های خیابانی کاسته شده و شعار "الله اکبر" از بام خانه های تهران شنیده می شود.

ممانعت از تجمع مقابل دانشگاه تهران

منابع مختلف بعد از ظهر روز پنجشنبه نهم ژوئیه از حرکت معترضان به سمت دانشگاه تهران خبر دادند که شعار "مرگ بر دیکتاتور" سر داده بودند.

شبکه سی ان ان شمار معترضان در اطراف میدان انقلاب را بین دو تا سه هزار نفر برآورد کرد. خبرگزارش آسوشیتدپرس در گزارش خود نوشته اعتراض در شرایطی انجام شد که شمار زیادی از نیروهای انتظامی در کنار لباس شخصی ها و بسیج در چهار راه های مختلف خیابان انقلاب در مرکز تهران مستقر شده بودند.

این خبرگزاری عنوان کرده تظاهر کنندگان که ماسک های سبز به صورت داشتند مقابل در اصلی دانشگاه تهران متوقف شدند و شروع به شعار دادن کردند که با واکنش پلیس مواجه شد. یک شاهد عینی دیگر از حمله نیروهای امنیتی به حاضران در خیابان کارگر خبر داد و علاوه بر تایید ضرب و شتم معترضان و عابران از سوی این نیروها، گفت برخی از افرادی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند نیز دستگیر شدند.

این شاهد عینی همچنین از مسدود شدن کلیه خیابان های منتهی به میدان انقلاب از سوی نیروهای انتظامی خبر داد.

خبرگزاری رویترز هم گزارش داده که نیروهای لباس شخصی سوار بر موتورسیکلت در اطراف دانشگاه تهران مشغول گشت زنی هستند.

آسوشیتدپرس از تجمع صدها تظاهر کننده در میدان ولی عصر تهران خبر داده که به گزارش این منبع، با وجود شلیک گاز اشک آور از سوی نیروهای انتظامی، دوباره متمرکز شدند.

خبرگزاری فرانسه که پیش از بروز این حادثه، فضای این منطقه از شهر تهران را پر تنش و متاثر از حضور نیروهای ضدشورش توصیف کرده بود، از شلیک گاز اشک آور به سمت معترضان و تلاش نیروهای امنیتی برای متفرق کردن معترضان خبر داده است.

خبرگزاری رویترز هم از زبان یک شاهد عینی از شعار دادن تجمع کنندگان در حمایت از میرحسین موسوی خبر داده است.

رویترز به نقل از دیگر شاهدان عینی اعلام کرد نیروهای امنیتی در برخی از میادین دیگر شهر تهران هم حضوری گسترده دارند.

این تجمع در شرایطی رخ داد که اسماعیل احمدی مقدم، رئیس نیروی انتظامی ایران یک روز قبل اعلام کرد درخواستی برای برگزاری تجمع یادبود حوادث ۱۸ تیر ۱۳۷۸ دریافت نشده و هشدار داد پلیس با هرگونه تجمعی مقابله خواهد کرد.

۱۰ سال پیش در روز هجدهم تیر سال ۱۳۷۸، و در پی اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران به تعطیلی

روزنامه اصلاح طلب "سلام"، نیروهای امنیتی به کوی دانشگاه تهران حمله کردند که این حمله حداقل یک کشته برجای گذاشت، و به پنج روز ناآرامی منجر شد.

حمله نیروهای لباس شخصی به خوابگاه های پلی تکنیک

خبرنامه امیرکبیر: نیروهای لباس شخصی مجهز به سلاح های سرد و گرم با همراهی موتورسواران سازماندهی شده به برخی از خوابگاه های دانشگاه امیرکبیر حمله کردند. نیروهای لباس شخصی در حمله به خوابگاه گلشن در خیابان به آفرین، با ورود به خوابگاه، تعدادی از دانشجویان و نگهبانان خوابگاه را مورد ضرب و شتم قرار دادند. به گزارش خبرنامه امیرکبیر، نیروهای لباس شخصی بخش هایی از ساختمان و امکانات خوابگاه را نیز تخریب کردند. در این حمله این افراد از گاز اشک آور استفاده کرده و به سالن مطالعه، حمام، نمازخانه و طبقات مختلف خوابگاه گلشن حمله کردند. از وضعیت چند تن از دانشجویان این خوابگاه پس از این حملات اطلاعی در دسترس نیست. همچنین نیروهای لباس شخصی به همراهی نیروهای نظامی به درب خوابگاه یابوری دانشگاه امیرکبیر نیز مراجعه نموده و به تهدید دانشجویان پرداختند. نیروهای لباس شخصی اعلام کرده اند که امشب مجدداً به خوابگاه ها حمله خواهند کرد.

تعطیلی مغازه داران در بخشهای مرکزی شهر تهران

این مجموعه در گزارش دیگری می افزاید: تعدادی از بازاریان مناطق تهران به مناسبت ۱۸ تیر روز سرکوب خونین دانشجویان و مردم ایران از ساعت یک بعد از ظهر به بعد اقدام به بستن مغازه های خود نمودند. آنها با این اقدام اعتراض خود را نسبت به سرکوب خونین دانشجویان و مردم ابراز می دارند.

گزارش ارسالی می افزاید: اگر چه امروز پنجشنبه است و بیشتر خرید و فروش ها در این روز انجام میشود و فروشگاهها تا پاسی از شب باز هستند اما به مناسبت ۱۸ تیرکلیه فروشندگان های بازارهای میوه و تره بار وابسته به شهرداری منطقه ۱۰ از ساعت ۱۳:۳۰ بازار را تعطیل کرده اند. ۸۰ درصد مغازه ها و پاساژهای خیابان رودکی واقع در منطقه ۱۰ از ساعت ۱۵، ۹۰ درصد فروشگاهها و پاساژهای اصلی صادقیه و ستارخان، ۹۰ درصد فروشگاههای انقلاب که مرکز اصلی خرید و فروش کتاب و لوازم پزشکی است و فروشگاهها و پاساژهای خیابان ولی عصر و پاساژ اصلی مرکز خرید و فروش کامپیوتر در ولی عصر از ساعت ۱۴، ۷۰ درصد فروشگاهها و مراکز اصلی خرید خیابان جمهوری و شانزلیزه از ساعت ۱۳ و پاساژ بزرگ بازار رضا در توپخانه تعطیل کرده اند.

بی خبری از وضعیت بازداشت شدگان ۱۸ تیر

<http://zamaaneh.com/news/>

۱۹ تیر ۱۳۸۸

خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (هرانا) از بازداشت تعداد زیادی از شرکت کنندگان در تجمع اعتراضی روز گذشته تهران خبر داده است. بنا به این گزارش تعدادی از خانواده های دستگیرشدگان، شب گذشته در مقابل کلانتری ۱۴۸ انقلاب و کمیته پی گیری وزارت اطلاعات واقع در چهارراه ولیعصر خواهان پاسخگویی مسئولان بودند.

روز گذشته، همزمان با دهمین سالگرد حادثه هجدهم تیر، تهران شاهد تجمعات پراکنده معترضان به نتایج انتخابات ریاست جمهوری، در نقاط مختلف شهر بود.

بنا به گفته خانواده‌ها، تمام دستگیرشدگان تا ساعت نخستین بامداد امروز، نوزدهم تیرماه در بازداشتگاه پلیس امنیت تهران بوده‌اند و پس از آن به کلانتری شاپور انتقال داده شده‌اند.

مسئولان کلانتری شاپور نیز در پاسخ به پیگیری خانواده‌ها اعلام کرده‌اند که تمامی بازداشت‌شدگان تجمع دیروز را به زندان اوین تحویل داده‌اند.

فرمانده انتظامی تهران بزرگ، تعداد بازداشت‌شدگان روز گذشته را «بسیار اندک و انگشت‌شمار» اعلام کرده‌است.

سرتیپ عزیزالله رجب‌زاده، به خبرگزاری مهر گفته‌است که این افراد «اقدام به تحریک مردم برای تخریب اموال عمومی و سردادن شعار» کرده بودند.

وی با تأیید استفاده از گاز اشک‌آور، گفته‌است: «در این تجمع یک مورد استفاده از گاز اشک‌آور گزارش شد که بلافاصله دستور داده شد پلیس برای پراکنده کردن تعداد اندکی از معترضین، دیگر از این تجهیزات استفاده نکند.»

یک شاهد عینی به زمانه گفته‌است که حداقل دو مینی‌بوس و دو اتومبیل ون را که در حال انتقال بازداشت‌شدگان بوده‌اند، دیده‌است.

بنا به گزارش‌های رسیده از تهران نیروهای انتظامی بسیاری از افرادی را که در تجمع شرکت نداشتند و در اطراف محل تجمع در حال عبور و مرور بوده‌اند نیز دستگیر کرده‌اند. گفته می‌شود این گونه بازداشت‌ها از سوی لباس شخصی‌ها صورت گرفته‌است.

کاوه مظفری، از فعالان جنبش زنان یکی از افرادی است که روز گذشته در خارج از محل تجمعات از سوی نیروهای لباس شخصی بازداشت شد.

به گزارش تارنمای تغییر برای برابری، وی که قصد داشت مادر همسرش را به بیمارستان برساند، پس از شناسایی از سوی یکی از لباس شخصی‌ها، در نزدیکی منزلش دستگیر شد.

به گفته خانواده آقای مظفری، ماموران امنیتی او را به یکی از اتومبیل‌های ون گشت ارشاد که به منظور انتقال بازداشت‌شده‌های اعتراضات خیابانی در آنجا حضور داشت، منتقل کردند.

کاوه مظفری، از اعضای کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز، روز ۴ تیرماه، پس از ۵۴ روز بازداشت به قید وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان اوین آزاد شد.

یک شاهد عینی نیز از بازداشت گسترده تجمع‌کنندگان اصفهانی در روز گذشته خبر داده‌است. به گفته وی در این تجمع نیروهای امنیتی و انتظامی از گاز اشک‌آور و اسپری فلفل استفاده کرده‌اند.

هجدهم تیرماه سال ۱۳۸۷، تحصن اعتراض‌آمیز دانشجویان کوی دانشگاه تهران در اعتراض به توقیف روزنامه سلام با ورود نیروی انتظامی به این کوی، به خشونت کشیده شد.

تهران و بسیاری از شهرهای ایران پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری شاهد اعتراضات گسترده بود. در جریان ناآرامی‌های یک ماه گذشته به گفته منابع مختلف بیش از ۲۰۰۰ نفر از فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، دانشجویان، وکلا، فعالان مدنی و شهروندان عادی شرکت‌کننده در تجمعات اعتراضی بازداشت شده‌اند.

اکنون می‌ست: دانشجویان شورشی زیر زمینی می شوند

<http://www.bbc.net.uk/persian/iran/>

هفته نامه اکونومیست چاپ لندن در شماره 11 ژوئیه مطلبی را به پیش بینی روند تحولات سیاسی ایران در پی نا آرامی های اخیر اختصاص داده است.

این گزارش با عنوان "دانشجویان شورشی ایران زیر زمینی می شوند" چاپ شده و در آن آمده است که اگرچه در ظاهر امر، وضعیت در ایران به شرایط عادی باز می گردد، اما ممکن است اوضاع در زیر زمین متفاوت باشد.

این نشریه می نویسد که با وجود تجدید سرکوب دانشجویان توسط نیروهای امنیتی، آنان در جستجوی راه های هوشمندانه ای برای ادامه تلاش در راه دسترسی به دموکراسی هستند اما چنین اقدامی مستلزم مبارزه ای سخت است زیرا دولت تقریباً تمامی روزنامه نگاران خارجی، به استثنای معدود خبرنگاران آژانس های خبری، را از ایران اخراج کرده، وبسایت هایی مانند بی بی سی و فیس بوک را مسدود کرده و سیستم مبادله پیامک گاه در دسترس است و گاه نیست با این هدف مجاری ارتباطی قطع شود.

اکونومیست می افزاید که دولت گاه به گاه تعطیل عمومی اعلام می کند و به مردم می گویند تا به دلیل خطرات ناشی از آلودگی هوا، به خیابان ها نیایند، لباس شخصی های دولتی رهگذران، به خصوص جوانان را در چهار راه ها متوقف و آنان را تفتیش و برگه هویتشان را بازبینی می کنند، ارتباط بین تهران و سایر شهرهای این کشور با اختلال مواجه است و گفته می شود دهها تن از دانشجویان در شهر اصفهان بازداشت شده اند.

در ادامه این مطلب آمده که دولت، دانشگاه تهران را، که محل آغاز انقلاب سال 1979 (1357) بود، بسته و ماه گذشته این محل شاهد برخورد خونین پلیس با دانشجویان بود و در حال حاضر هم، ماموران امنیتی با چهره هایی مانند سنگ در برابر در ورودی دانشگاه قراول می دهند و به درهای دیگر دانشگاه هم قفل زده اند و تنها به معدود معلمان و استادان مورد علاقه مقامات اجازه ورود و خروج داده می شود.

اکونومیست می نویسد که امتحانات نهایی دانشگاه تهران تا پائیز به تعویق افتاده و دیوار نوشته های حمایت از میر حسین موسوی، نامزد معترض انتخابات، از دیوار ها پاک شده و جای آن را یک نقاشی سفارشی دولت شامل تصویر مجسمه آزادی گرفته که به سوی زنان و کودکان بی پناه سنگ پرتاب می کند، و البته درهای سایر مراکز علمی تهران، مانند دانشگاه امیر کبیر و شریف هم قفل شده است.

دانشجویان در مسیر جنبش زیر زمینی

این هفته نامه می افزاید که بسیاری از دانشجویان معتقدند که همه چیز از دست رفته و به نقل از یک دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی می نویسد "اول کار، عصبانی بودم، بعد سرخورده شدم و حالا فقط احساس تهی بودن می کنم" و یکی از فارغ التحصیلان تازه دانشگاه شریف هم گفته است که او و همکلاسی هایش امیدشان را از دست داده اند.

به نوشته اکونومیست، بدتر از همه اینکه نوعی رعب روانی است که فضا را پر کرده و از آنجا که شمار قابل توجهی از دانشجویان به عنوان پاداش خدمت در بسیج به دانشگاه راه یافته اند، محیط دانشگاهی پر از خبرچین های رژیم است و به همین دلیل، دانشجویان از گفتگو با خارجیان هراس دارند و بعضی حتی از نگاه کردن به آنان هم بیم دارند. در ادامه این گزارش آمده است که دولت هم با تهدید به توسل

به استفاده از تهاجم مرگبار در مقیاس گسترده، بر اعصاب جوانان اثر گذاشته و مقامات هم اذعان کرده که تا کنون ده تا بیست نفر را کشته اند و به گفته مبارزان حقوق بشر، در سراسر ایران، بیش از دو هزار نفر، از جمله صدها تن از افراد سرشناس نزدیک به میرحسین موسوی، محمد خاتمی و اکبر رفسنجانی، که در برابر محمود احمدی نژاد و مرشد او، آیت الله علی خامنه ای، مقاومت می کنند، به زندان انداخته اند.

اکونومیست می نویسد که در این شرایط، حرکت سیاسی دانشجویان به تدریج زیرزمینی می شود و گروهی از معترضان که در صدد هستند این مشعل را همچنان فروزان نگاه دارند، یادآور می شوند که انقلابیون سال 1979 هم تا زمان سقوط شاه، کمابیش به مدت یک سال به مقابله با نیروهای دولتی و درگیری های پراکنده ادامه دادند.

این هفته نامه گزارش می کند که این روزها، معترضان روی اسکناس ها شعارهای ضد حکومتی می نویسند و شبها، رنگ سبز بر سطح خیابان می پاشند و از آنجا که ماموران دولتی فروش این رنگ را زیر نظر دارند، معترضان با مخلوط کردن رنگ های آبی و زرد، رنگ سبز می سازند.

اکونومیست می نویسد که اینگونه فعالیت ها تا کنون ضربه قابل توجهی وارد نساخته و به ظاهر، زندگی روزمره در تهران به حالت عادی باز می گردد اما در زیر این سطح ظاهری، بازی موش و گربه جریان دارد، دولت همچنان از سرگیری تظاهرات بیمناک است و فرا رسیدن چهلمین روز قتل ندا آقا سلطان، نماد مبارزات اخیر، می تواند بهانه خوبی برای چنین تظاهراتی باشد.

این هفته نامه می افزاید که در تهران هنوز هم ایمیل هایی حاوی دعوت به تظاهرات رد و بدل می شود و اگرچه اعتراضات خیابانی کاهش یافته، اما تمام نشده و جو ایران، برای دانشجویان و سایر شهروندان، جو "صبر و انتظار" است.

الویری: خلی از بازداشت ها بدون ارائه حکم صورت گرفته است

<http://www.radiofarda.com/content/>

۱۳۸۸/۰۴/۱۹

با ادامه روند بازداشت فعالان سیاسی و روزنامه نگاران از سوی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی، میرحسین موسوی، محمد خاتمی و مهدی کروبی رهبران جنبش اصلاح طلب ایران در جلسه هفته گذشته خود، کمیته ای را برای پیگیری وضعیت بازداشت شدگان معرفی کردند.

اما با توجه به فضای امنیتی فعلی جامعه، این کمیته تا چه اندازه اجازه کار دارد؟ مرتضی الویری نماینده مهدی کروبی در این کمیته به این پرسش رادیو فردا پاسخ می دهد: این مسئله از دو جنبه قابل بررسی است؛ یکی جنبه سیاسی موضوع است و دوم بحث انسانی آن. بازداشت افراد بدون دلیل و فقط بر مبنای این که به نتایج انتخابات معترض باشند، از نظر سیاسی هیچ توجیهی ندارد و باید از طریق کانال های قانونی آزادی آنها را پیگیری کنیم. در بعد مسائل انسانی مسئله جدی تر می شود و به عنوان یک انسان متأثر می شویم که افرادی بی گناه جان خود را از دست بدهند، مصدوم شوند و یا صدماتی به مال و زندگی آنها وارد شود. از جنبه انسانی و فارغ از دسته بندی های سیاسی باید این مسائل مورد رسیدگی قرار گیرد.

بنابراین کمیته ای که آقایان میرحسین موسوی، کروبی و خاتمی تشکیل داده اند، می تواند در این دو بعد اقداماتی را انجام دهد.

شما اشاره کردید که این بازداشت‌ها از طریق کانال‌های قانونی قابل پیگیری است. کدام راه‌ها باز است برای این که خانواده‌های افرادی که بازداشت شده‌اند، بتوانند به آن مراجعه کنند؟ این مسئله از طریق قوه قضاییه قابل پیگیری است و ما با خبر شدیم که در مورد بسیاری از بازداشت‌ها اصلاً حکم بازداشت وجود نداشته و موقع دستگیری هیچ مدرکی ارائه نشده است. من نگران هستم که اینها از طریق مراجع قانونی بازداشت نشده باشند و فکر می‌کنم این کمیته می‌تواند در ارتباط با قوه قضاییه مشخص کند این افراد از طریق حکم قضایی بازداشت شده‌اند یا به وسیله «نیروهای خودسر». بعد از مشخص شدن نتایج، می‌توان پیگیری‌های لازم را انجام داد.

از نیروهایی که شما به عنوان «نیروهای خودسر» از آنان نام می‌برید، به کجا می‌شود شکایت کرد و معترضان چقدر می‌توانند حقوق خود را پیگیری کنند؟ به این دلیل که در حال حاضر اطلاع مشخصی ندارم، نمی‌توانم قضاوت خاصی داشته باشم. ولی اگر بخواهیم کاری انجام دهیم، فعالیت از طریق کانال‌های قانونی است. در ترکیب این کمیته حقوقدان هم وجود دارد و ما بر اساس کانال‌های قانونی تلاش خود را انجام می‌دهیم.

بیانیه ۲۴۰ نفر از اساتید، محققان، نخبگان علمی و دانشجویان مقاطع عالی در محکومیت برخوردهای اخیر با اعتراضات مردمی

[/http://www.autnews.me](http://www.autnews.me)

جمعه، ۱۹ تیر، ۱۳۸۸

خبرنامه امیرکبیر: ۲۴۰ نفر از اساتید، محققان، نخبگان علمی و دانشجویان ایرانی دانشگاه‌های مختلف آمریکا و کانادا با امضای بیانیه‌ای سرکوب خونین مردم را محکوم کردند. این افراد همچنین خواستار توقف بدون قید و شرط سرکوب و کشتار مردم بی‌دفاع در خیابان‌های شهرهای شدند. متن این بیانیه به شرح زیر است:

مردم شریف ایران،
نهادهای مسوول جمهوری اسلامی ایران،

آنچه در روزهای پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ و به خصوص شنبه ۳۰ خرداد بر زن و مرد این سرزمین رفت، راحت و خواب را بر وجدان‌های پاک حرام کرد. گروهی از مردم که تنها نارضایتی خود را از نتایج انتخابات اعلام می‌کردند، با اتکا به اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی، با مسالمت‌جویی و بدون ایجاد هیچ تهدید جانی و مالی و در غالب موارد با سکوت راه‌پیمایی کردند. تظاهرات میلیونی مردم که بدون زدو خورد و در کمال آرامش برگزار شد حجت را بر همگان تمام کرد که هرگاه دولت به سرکوب مردم نپردازد هیچ خشونت و اغتشاشی رخ نخواهد داد و مردم بهتر از هر مقام مسوول، امنیت کشور را تضمین خواهند کرد. با کمال تاسف، نیروهای منتسب

به ارگان‌های نظامی کشور با رفتار غیر قابل توجه خود به سلب امنیت از این اجتماعات و کشتار مردم با شلیک مستقیم گلوله دست زدند. خشونت‌های این روزها بار دیگر تجربه‌ی تاریخی ملت ایران را ثابت کرد که بستن راه برای اعتراضات مسالمت‌آمیز و بررسی بیطرفانه این اعتراضات، ثمری جز بر باد دادن مشروعیت حاکمان نخواهد داشت. به راستی آیا نمی‌شد به جای استفاده از قوه قهریه، از همان ابتدا با برقراری امنیت برای اعتراضات مردمی و با اطلاع رسانی شفاف، به خصوص از رسانه ملی، به حل مسالمت‌آمیز مشکلات پیش آمده اقدام کرد؟

دردآور است که دامنه این حرمت‌شکنی‌ها، دانشجویان، اساتید و محققین این مرز و بوم را نیز در بر گرفته است. تعدی به دانشگاه و خوابگاه‌های دانشجویان و بازداشت جمع کثیری از دانشجویان و متفکران کشور نشان از خاستگاه متحجرانه عاملین این فجایع دارد، که اندیشه اندیشه‌ورزان ما را تاب ندارند و با بستن همه راه‌های ارتباطی، هراس خود را از خبررسانی و آگاه‌سازی مردم عیان ساخته‌اند. بیشک، مسوولیت اخلاقی، حقوقی و شرعی این برخوردها و سرکوب‌ها نه بر عهده کسانی است که به قصد صیانت از آرای مردم بر تلاش مدنی خود پافشاری می‌کنند، بلکه بر عهده مقاماتی است که فرماندهی این نیروهای خودسر و قاتلین مردم بی دفاع را در دست دارند. آیا مقصر دانستن معترضان و رهبرانی که شعارشان پرهیز از خشونت است، همان روشی نیست که حکومت‌های سرکوبگر در موارد مشابه و در توجیه جنایاتشان استفاده کرده‌اند و می‌کنند؟

ما جمعی از فرزندان این آب و خاک که سال‌ها برای اعتلای نام کشور عزیزمان در عرصه‌های علمی فعال بوده‌ایم، سکوت را جایز ندانسته، این جنایات را به شدت محکوم می‌کنیم و خواستار توقف بدون قید و شرط سرکوب و کشتار مردم بی‌دفاع در خیابان‌های شهرهای میهن‌مان و دانشگاه‌ها هستیم.

انتظار داریم که دانشجویان، روزنامه‌نگاران و فعالین سیاسی بازداشت‌شده در روزهای اخیر، هر چه سریع‌تر آزاد شده و مسوولین تعرض به دانشگاه‌ها و اعتراضات مسالمت‌آمیز مردمی مجازات شوند. باور ماست که عدم پی‌گیری مسببان خشونت‌های ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و روزهای پس از آن موجب شده است که عاملین آن جنایات جری‌تر و در ابعاد وسیع‌تر، مدنی‌ترین اعتراضات را برنتابند و افسارگسیخته مال و جان مردم را مورد تعدی قرار دهند. از صدا و سیمای جمهوری اسلامی تقاضا داریم با توقف فرافکنی و دادن نسبت اغتشاشگر به عامه‌ی معترضان،

نقش خود به عنوان رسانه ملی را به خاطر آورد و رسالت خویش در اطلاع رسانی بیطرفانه و خالی از تشویش و دروغ پردازی را جدی بگیرد. تاکید می‌کنیم که از نظر ما فراهم آوردن زمینه برای تبادل آزاد اطلاعات و طرح نظرات و عقاید و از همه مهم‌تر امنیت دانشجویان، دانشگاهیان و متفکران از وظایف حکومت بوده و ابتدایی‌ترین شرط برای رشد علمی و اجتماعی کشور است. امید است که مسوولان، فرهیختگان و همه ما صبر، سکوت و اجتناب از خشونت را از خواهران و برادرانمان در سراسر ایران عزیز بیاموزیم.

والسلام، تیرماه ۱۳۸۸

حدود 600 تن از فعالان جنبش زنان : به سرکوب زنان و مردان ایران پایان دهید/ کلیه بازداشت شدگان را آزاد کنید

[/http://www.campaignforequality.info](http://www.campaignforequality.info)

پنج شنبه 18 تیر 1388

تغییر برای برابری - بیانیه زیر را فعالان جنبش زنان با توجه به محدودیت های ارتباطی کنونی امضا کرده اند ممکن است بسیاری هنوز این بیانیه را ندیده باشند. به همین دلیل در چند مرحله امضا منتشر شد .

آمار های متعدد از تعداد کثیر بازداشت شدگان خبر می دهند که هنوز به رزم آزادی برخی از آنها تعداد زیادی در بند هستند . از میان فعالان جنبش زنان ژیلای بنی یعقوب ، مهسا امربادی و شیوا نظر آهاری همچنان در زندان هستند، از میان وکلای مدافع حقوق بشر عبدالفتاح سلطانی، محمد علی دادخواه ؛ کامیوز نوروزی و... نیز در زندان اند. کاوه مظفری هم مجددا امروز 18 تیرماه توسط لباس شخصی ها بازداشت شد. برخی از بازداشت شدگان کنونی پیشتر برای بازداشت شده گان پیشین امضا کرده بودند.

به سرکوب زنان و مردان ایران پایان دهید، کلیه بازداشت شدگان را آزاد کنید

انتخابات غیر دمکراتیک دهمین دوره ریاست جمهوری گرچه از پراقبال ترین انتخابات این دوره برای ایجاد تغییر مسالمت جوینانه بود، آنچه در پی آن آمد اعتراض همگانی را برانگیخت. طیف وسیعی از فعالان جنبش زنان، در کمپین ها و گرایشات مختلف، در کنار فعالان دانشجویی، کارگری، مدنی و سیاسی، قومیتی، روزنامه نگاران، و... در انتخابات شرکت کردند تا به دولت تبعیض نگر "نه" بگویند، و خواهان رفع تبعیض های جنسیتی علیه زنان شوند.

امید به تغییر وضعیت، میلیون ها زن و مرد را به پای صندوق های رای کشاند، اما نتیجه شمارش آرا این امید را به یاس بدل کرد و اعتراض گسترده ی مردمی را برانگیخت. اعتراضی که پاسخ حاکمیت به آن خشونت عریان، ضرب و شتم و مجروح کردن و کشتن شهروندان عادی، بازداشت فعالان و وکلای حقوق بشر، فعالان سیاسی و مدنی، روزنامه نگاران، فعالان دانشجویی و قومیتی و... بود. دامنه خشونت های خیابانی توسط نیروهای سرکوبگر، اعم از آمر و عامل، بار دیگر دانشگاه ها و

خوابگاه های دانشجویی را به خاک و خون کشید تا خاطره تلخ 18 تیر کوی دانشگاه در ذهن خسته از خشونت ایرانیان انعکاسی پایان ناپذیر یابد. خبر ها حاکی از آن است که تعداد قابل توجهی از دانشجویان دختر و پسر در شهرهای مختلف ایران کشته، مجروح، بازداشت و/یا مفقود الاثر شده اند. قطع همه مسیرهای تلفنی و اینترنتی در کنار موارد بالا، دسترسی نسبتاً آزاد به اطلاعات و ارتباطات را به حداقل رسانده و باعث افزایش تشویش اذهان عمومی شده است. حاکمیت با در دست داشتن مهم ترین رسانه ها، به ویژه صدا و سیما، منتقدان و معترضان به اقدامات قهری و تمامیت خواهانه خود را اغتشاش طلب و اراذل و اوباش می خواند و خشم مردم را دامن می زند. در عین حال، همچنان با نادیده گرفتن حقوق مردم بیشترین خشونت را به انواع مختلف به آن ها اعمال می کند. ما، جمعی از فعالان جنبش زنان، ضمن محکوم کردن تمامی اقدامات خشونت بار و تحقیر آمیزی که در این سال ها علیه زنان و مردان ایران و در جهت سرکوب آن ها صورت گرفته است و می گیرد، با تأکید بر تداوم تلاش برای احقاق خواسته های جنبش زنان که نقش مهمی در این سال ها در افزایش آگاهی و مبارزات مدنی داشته است، همبستگی خود را با معترضان به نتایج انتخابات اعلام می داریم، و خواستار آزادی بی قید و شرط بازداشت شدگان چند روزه اخیر، و تأمین و تضمین آزادی های مدنی و سیاسی در ایران هستیم.

بیست و نه خرداد 1388

گفت و گو با علی افشاری، تحلیل گر سیاسی و از فعالان جنبش دانشجویی

«اعتراضات مردم، مثل آتش زیر خاکستر زنده است»

<http://zamaaneh.com/special/>

۱۹ تیر ۱۳۸۸

در حالی که پس از گذشت یک ماه از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، جامعه ی سیاسی در کشور هنوز تحت تأثیر نتایج این انتخابات است، این نگرانی ها با تلاش برای برگزاری دهمین سالگرد حمله به کوی دانشگاه تهران در هیجدهم تیرماه ۱۳۷۸ گره خورده است. در ده سال گذشته، هر ساله اعتراضاتی در اشکال مختلف و بنا بر شرایط سیاسی موجود در ایران، صورت گرفته است. در شرایط ویژه ی امسال و در حالی که نیروهای انتظامی از قبل در خیابان ها حضور دارند و با وجود گزارش تجمعات و درگیری های پراکنده، می توان گفت که حضور جنبش دانشجویی در صحنه ی سیاسی ایران، نه تنها در شکل فیزیکی که در اذهان جامعه و حکومت، مشهود است.

اما اگر هیجدهم تیرماه ۱۳۷۸ را مبنای بگیریم، جنبش دانشجویی در این ده ساله چه فراز و فرودهایی را طی کرده و اکنون در کجا ایستاده است.

برای یافتن پاسخ هایی به این پرسش، با علی افشاری در آمریکا، تحلیل گر سیاسی و از فعالان جنبش دانشجویی که سال ها زندان و محکومیت را در پرونده ی خود دارد، گفت و گو کرده ام.

آقای افشاری ده سال از هیجده تیر تاریخی جنبش دانشجویی گذشته است. اگر بخواهید به این ده سال نگاهی بیاندازید، چه می بینید؟ روندی معین و مشخص را، فراز و فرودهایی یا احتمالاً، موقعیتی کاملاً متفاوت را؟

اگر بخواهیم به ده سال گذشته برگردیم و اثرات آن جنایت هولناک را بررسی کنیم، می بینیم هدف

اصلی جریان حمله‌کننده و یورش‌برنده به کوی دانشگاه، تعطیلی جنبش دانشجویی و پایان بخشی به فعالیت‌های انتقادی در داخل دانشگاه‌ها بود.

اما همان‌گونه که روند ده سال گذشته نشان داده است، خواسته‌ی آن‌ها محقق نشد و شکست خوردند. جنبش دانشجویی علی‌رغم همه‌ی فراز و نشیب‌ها، توانست موجودیت مستقل خود را حفظ کند و کماکان به انتقاد و اعتراض خود ادامه بدهد.

اما بالطبع، روند ثابتی نبوده، فراز و نشیبی را به‌همراه داشته است. منتها تأثیر اولیه‌ای که آن حرکت داشت، آن نشاط و سرزندگی‌ای که در جنبش دانشجویی بود و در آن مقطع، میزان فراگیری از دانشجویان را هم جذب کرده بود را از دست داد.

بعد از آن، علی‌رغم این‌که کماکان در انتخابات مجلس ششم هم حضور فعالی داشت، ولی کم‌کم جرقه‌ی این تفکر در همان ده سال پیش زده شد که ساز و کار قانونی موجود، پاسخ‌گوی نیازهای جنبش اصلاحی نیست و باید فراتر از تغییر افراد و کارگزاران فکر کرد.

ولی کماکان تأکید بر مشی اصلاحات جامعه‌محور داشت. تا به این دوره و حوادثی که پس از انتخابات رخ داد، رسیدیم، می‌بینیم که دقیقاً، همان فاجعه‌ی هیجده تیر، منتها در ابعادی بسیار بزرگ‌تر، تکرار شد. این را هم باید در نظر بگیریم که هیجده تیر، به یک سمبل و نماد برای حرکت‌های اعتراضی دانشجویی تبدیل شده است. یعنی هر سال در هیجده تیر، دانشجویان سعی می‌کنند به مسایل روز بپردازند. امسال هم هیجده تیر با جنبش اعتراضی وسیع برای ابطال انتخابات یا اعلام عدم مشروعیت دولت احمدی‌نژاد، پیوند خورده است.

اشاره کردید که حمله به کوی دانشگاه در ده سال پیش، حداقل آن موج شادی و نشاطی را که در جنبش دانشجویی وجود داشت، از میان برد. آیا در روند انتخابات اخیر، شاهد همان موج امید و نشاط در میان جوانان، نبودیم؟ و آیا می‌توانیم امیدوار باشیم که این فضا دوباره به وجود بیاید و ادامه پیدا کند؟

مسلماً، فضای پیشا انتخاباتی و موج سبزی که راه افتاد، نشاطی را در کل جامعه به‌وجود آورد. بخش عمده‌ای از کسانی که این نشاط را به‌وجود آوردند و همه هم از آن تأثیر پذیرفتند، جوانان و دانشجویان بودند. جنبش دانشجویی هم در مجموع، برخورد مثبتی را به انتخابات داشت.

البته نه به عنوان فرایند خود انتخابات، بلکه استفاده از فرصت انتخابات برای بازسازی خود. ولی در مجموعه وقایعی که پس از آن رخ داد، شاهد جنبش اعتراضی‌ای بودیم که بیشتر خودجوش بود و هیچ خصلت مشخص گروهی، صنفی و قشر اجتماعی هم نداشت. ما شاهد حرکتی هستیم که کل جامعه‌ی ایران در آن درگیر است و نمی‌توان آن را مشخص و متمایز به دانشجویان کرد.

از این‌جا است که به نظر من، کلیت جامعه و مردم، درگیر همان حرکتی شدند که می‌شود گفت، در ده سال گذشته دانشجویان آن را بیشتر به جلو می‌بردند و اگر تجمعات یا اعتراضاتی بود، بیشتر دانشجویی بود. الان می‌بینیم که تمامی اقشار جامعه درگیر شده‌اند. برخوردی که صورت گرفت، باز هم ضربه‌ای به همان نشاط و سرزندگی عمومی جامعه است که دانشجویان نیز بخشی از آن بودند.

ولی فکر نمی‌کنم، برخوردی که الان صورت گرفته، تا این لحظه (هرچند برای قضاوت نهایی زود است) به نشاط و اراده‌ی مردم لطمه‌ای زده باشد. اگر هم می‌بینیم سطح جاری اعتراض کاهش پیدا کرده، اما در درون و ذهن مردم این اتفاق نیفتاده است. مثل آتش زیر خاکستر زنده است و هنوز آن امید وجود دارد.

با توجه به این‌که معتقد هستید اعتراضات وجود دارد و از میان نرفته است، فکر می‌کنید با پایان

تعطیلات کنونی و بازگشایی دانشگاه‌ها، منتظر چه روندی باید باشیم؟
الان همه‌ی دانشگاه‌ها تعطیل هستند. البته، این سنت از اولین سالگرد هیجده تیر پایه گذاشته شد. ولی امسال فضا خیلی امنیتی‌تر است. پیش‌بینی من این است که به مجردی که دانشگاه‌ها باز شود، با فضای بسیار داغ‌تری نسبت به سال‌های گذشته، مواجه خواهیم بود.
هم مطالبات دانشجویان و هم نوع نگاهی که نسبت به حکومت دارند، رادیکال‌تر خواهد شد و با توجه به گسترده‌تر شدن شکاف و گسل بین دولت و حکومت، دولت احمدی‌نژاد روزهای بسیار سختی را پس از بازگشایی دانشگاه‌ها خواهد داشت.

درست متوجه شدم؟ گسل بین حکومت و دولت...؟
نه، ببخشید، گسل بین جامعه و حکومت، یعنی مردم و دولت.

با وجود این، سوال را این‌گونه طرح کنم؛ چنین نظری هم وجود دارد که مستقل از این‌که گسل بین دولت و حکومت وجود داشته باشد یا نه، یکی از راه‌بردهای سیاسی به‌نظر می‌آید و وقتی عدم مشروعیت دولت احمدی‌نژاد طرح می‌شود، این دولت را به عنوان مشکلی برای حکومت طرح می‌کند. شما به این مسأله، به عنوان یک طرح سیاسی، چگونه نگاه می‌کنید؟ آیا امیدی هست که مجموعه‌ی حاکمیت برای به تعامل رسیدن با بخشی از مردم، به ابطال انتخابات و یا به شکلی، تغییر دولت آقای احمدی‌نژاد، رأی بدهد؟

با توجه به این‌که این دولت به اتکای صریح شخص رهبری و بخش اصلی قدرت شکل گرفته و ادامه‌ی حیانتش هم بیشتر مرهون همین مسأله است، به نظر من، همان‌گونه که در شعارهای اعتراضی هم وجه دیکتاتوری خیلی پررنگ بود، از این زاویه، دانشگاه‌ها هم معطوف به این امر خواهد شد.
ولی طبیعی است، با توجه به عقلانیتی که بین دانشجویان هست، آن‌ها از شکاف‌ها و گسل‌های داخل حکومت استفاده خواهند کرد. یعنی، گروه‌هایی که موضع ملایم‌تری را نسبت به جامعه، نسبت به خواسته‌های مردم و به طور مشخص، مطالبات دانشجویی داشته باشند، طبیعی است که از تیررس انتقادات مقطعی دانشجویان خارج می‌شوند و دانشجویان لبه‌ی اصلی حملات را متوجه جناح‌ها و بخش‌هایی از حکومت خواهند کرد که سرسختانه در مقابل مردم ایستاده‌اند و از هر حرکت میانه‌روانه یا به نوعی منتقدانه نسبت به دولت در دل نیروهای داخل حکومت هم استقبال می‌کنند.
در صحبت قبلی، تأکید من بر شکاف بین دولت و ملت بود، اما قطعاً شکاف و گسلی هم در داخل حکومت وجود خواهد داشت و بخشی از سرنوشت کارزار اعتراضی‌ای که امروز در بطن جامعه و در خیابان‌ها در جریان است، بر می‌گردد به این‌که نتیجه‌ی کشمکش و مجادلات داخل خود حکومت و بلوک قدرت چه سمت و سویی پیدا کند.

اتحادیه اروپا به ایران: یا گفت‌وگو بر سر انتخابات، یا بررسی تحریم بیشتر

<http://www.radiofarda.com/content/>

۱۳۸۸/۰۴/۱۹

کمیسیون روابط خارجی اتحادیه اروپا روز پنج‌شنبه اعلام کرد در صورتی که ایران راه حل گفت‌وگو برای حل مسئله نتیجه انتخابات را رد کند، این اتحادیه وضع تحریم‌های بیشتر را بررسی خواهد کرد.
نینتا فررو - والدنر، کمیسر روابط خارجی اتحادیه اروپا، که برای حضور در سازمان ملل در نیویورک به

سر می‌برد به خبرنگاران گفت: «اگر [در جهت حل مسئله انتخابات] اتفاقی نیفتد، راه حل تحریم‌های بیشتر و تشدید تحریم‌های گذشته بار دیگر در اتحادیه اروپا مطرح خواهد شد.»

این تازه‌ترین واکنش اتحادیه اروپا به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در ایران است که از جمله به بازداشت ۹ کارمند ایرانی سفارت بریتانیا در تهران به اتهام دخالت در ناآرامی‌ها نیز انجامید.

روز سه‌شنبه گذشته نیز سفرای سه کشور اروپایی با حضور در وزارت امور خارجه ایران خواستار آزادی آخرین نفر از این کارمندان شدند که هم‌چنان در بازداشت به سر می‌برد.

مدیران کل سیاسی وزارتخانه‌های امور خارجه ۲۷ کشور اروپایی نیز در نشست هفته گذشته خود در جزیره کورفو در یونان اعلام کردند که پیشنهاد بریتانیا مبنی بر فراخواندن تمام سفیران کشورهای عضو اتحادیه اروپا را در دستور کار دارند.

خانم فرو - والدین اشاره کرد که جامعه بین‌الملل در مورد موضع خود در قبال جمهوری اسلامی یکپارچه و متحد است و «اگر می‌خواهیم به ایران نشان دهیم که نباید پای خود را از حدی فراتر بگذارد» وضع تحریم‌های بیشتر را بررسی خواهد کرد.

بررسی «عدم صدور ویزا برای مقامات ایرانی» در اتحادیه

در همین زمینه روزنامه فایننشال تایمز چاپ آلمان نیز گزارش کرده است که اتحادیه اروپا قرار است امروز جمعه راه حل منع سفر مقامات ایرانی به اروپا را بررسی کند.

این روزنامه به نقل از دیپلمات‌های اروپایی در استکهلم که به نام آنها اشاره‌ای نشده است می‌گوید در صورت تصویب این راه حل کشورهای عضو اتحادیه اروپا «تا اطلاع ثانوی برای دیپلمات‌ها و وابستگان دولت ایران ویزا صادر نخواهند کرد».

کشور سوئد که هم‌اکنون ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد پیشتر به جمهوری اسلامی هشدار داده بود که در صورت آزاد نشدن کارمند سفارت بریتانیا این اتحادیه «آماده دست زدن به اقدامات لازم» است.

در حالی که نیروهای امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی به سرکوب معترضان به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایران در تهران و دیگر شهرها ادامه می‌دهند، کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا و اتحادیه اروپا بارها از دولت جمهوری اسلامی خواسته‌اند به آزادی عقیده و بیان و همین‌طور آزادی تجمعات احترام بگذارند.

این در حالی است که آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، به این کشورها هشدار داده است که از «دخالت» در ایران پرهیز کنند.

رهبر جمهوری اسلامی که انتخابات اخیر را سالم خوانده و حمایت قاطع خود را از محمود احمدی‌نژاد اعلام کرده است، روز دوشنبه گفت: «ما اظهارات و رفتارهای مداخله‌جویانه این دولت‌ها را محاسبه خواهیم کرد و قطعاً در آینده روابط جمهوری اسلامی ایران با آنها تاثیر منفی خواهد داشت».

عبادی: رژیم ایران روز به روز خشن‌تر می‌شود

<http://www.dw-world.de/dw/article/>

10.07.2009

شیرین عبادی، حقوق‌دان و برنده‌ی جایزه صلح نوبل با تاکید از کشورهای غربی خواست در مواجهه با رژیم ایران منافع اقتصادی خود را در اولویت قرار ندهند.

به گزارش خبرگزاری ایتالیایی "آنسا"، خانم شیرین عبادی این سخنان را روز پنجشنبه ۹ ژوئیه (۱۸ تیرماه ۱۳۸۸) در نشست‌ای از سوی صندوق حمایت از کودکان وابسته به سازمان ملل (یونیسف) در شهر ناپل ایتالیا اظهار داشت.

شیرین عبادی خطاب به رهبران کشورهای غربی گفت: «همه‌ی شما مرگ هولناک ندا را دیدید؛ زن جوانی که در درگیری با پلیس کشته شد. بیایید به جوانان خود قول دهید که هیچگاه مصالح حقوق بشری را قربانی منافع اقتصادی خود نخواهید کرد.»

شیرین عبادی افزود: در ایران سانسور شدیدی حاکم است. برای ما خیلی مهم است که شما درباره‌ی آنچه که در کشور ما می‌گذرد سخن بگویید و در باره‌ی حوادث ایران اطلاع‌رسانی کنید. در غرب مردم از آنچه که در ایران می‌گذرد اطلاع کمی دارند.

عبادی در ادامه‌ی سخنانش از سرنوشت دوستان و همکاران خود در ایران ابراز نگرانی کرد. محمدعلی دادخواه، وکیل دادگستری و همکار شیرین عبادی در کانون مدافعان حقوق بشر روز چهارشنبه (۸ ژوئیه) در دفتر وکالتش بازداشت شد. عبدالفتاح سلطانی، یکی دیگر از وکلای سرشناس دادگستری و از همکاران خانم عبادی سه هفته پیش بازداشت شده است.

خود شیرین عبادی نیز از سوی گروهی از حامیان محمود احمدی‌نژاد تهدید به محاکمه‌ی قضایی شده است. این گروه از وزیر دادگستری خواسته‌اند خانم عبادی را به جرم نقض قانون اساسی و قوانین اسلامی از طریق فعالیت‌هایش در زمینه حقوق بشر، مورد محاکمه قضایی قرار دهد.

شیرین عبادی در ادامه‌ی سخنرانی خود در نشست یونیسف افزود: رژیم ایران روزه روز خشن‌تر می‌شود. در روزهای اخیر افراد زیادی بازداشت شده‌اند. بیش از ۲ هزار نفر در زندان‌اند. ۵۰۰ تن از آنها به اتهام «به‌خطر انداختن امنیت ملی» محاکمه خواهند شد؛ اتهامی که در جمهوری اسلامی بی‌اندازه سنگین است.

شیرین عبادی گفت، همکاران او بدون حکم قضایی بازداشت شده‌اند. خانم عبادی با توجه به تظاهرات و درگیری‌هایی که روز پنجشنبه، ۱۸ تیرماه در خیابان‌های تهران رخ داد گفت، هیچ امکانی برای گفت‌وگو میان رژیم ایران و معترضان باقی نمانده است. عبادی افزود: «اما من مطمئن هستم که جوانان ما پیروز خواهند شد زیرا ملت ایران متحد عمل می‌کند و رژیم تنها با سرکوب نخواهند توانست به بقای خود ادامه دهد.»

شیرین عبادی در ادامه‌ی سخنان خود بشدت از کنسرن‌های نرم‌افزاری غربی انتقاد کرد. این کنسرن‌ها به حکومت ایران برنامه‌هایی را فروخته‌اند که با آن می‌توانند اینترنت را در ایران سانسور و ارتباطات اینترنتی و تلفنی مردم را کنترل نمایند.

دو هفته پیش روزنامه‌ی «والاستریت ژورنال» فاش ساخت، کنسرن آلمانی - فنلاندی «نوکیا - زیمنس»، سیستمی به ایران صادر کرده که می‌تواند تلفن‌های داخلی، اعم از ثابت و همراه را کنترل کند. بنابراین گزارش، شرکت‌های نوکیا و زیمنس مرکز کنترلی در تهران ساخته‌اند که انحصار ارتباطات را در ایران برعهده دارد. به گفته‌ی مقام‌های زیمنس، با سیستم تعبیه شده، نه تنها شبکه‌ی اینترنت، بلکه همچنین مکالمات تلفنی نیز قابل کنترل است.

بزرگترین ضعف‌های این دولت (از سایت تابناک)

یکی از بزرگترین ضعف‌های این دولت و بالاخص شخص آقای احمدی‌نژاد عدم صداقت با مردم و اتهام زنی به افراد مختلف است در حالی عملکرد خود آنها بسیار بدتر بوده است. به عنوان مثال آقای احمدی

نژاد که خانم رهنورد را به دریافت مدرک جعلي متهم مي‌کنند بهتر نيست در مورد مدرک خودشان موارد زير را توضيح دهند: (لازم به توضيح است که تمام علم و صنعتي‌هاي ان موقع مي‌دانند که انموقع او با رانت طائب رييس وقت دانشگاه که احمدي نژاد مسئول دفتر او بود دکتری را بدون کنکور شروع کرد).

در سايت دانشگاه علم و صنعت ايران :

ir/find.php?item=32.6083.7131.fa

... که آقاي احمدي نژاد فارغ التحصيل آنجا بوده و اکنون عضو هيئت علمي دانشکده مهندسي عمران آنجاست، سال دریافت مدرک دکتری ایشان 1376 عنوان شده است. اين در حالي است که ایشان طی سالهاي 1372-1376 استاندار اردبيل بوده‌اند. به راستي ایشان حين استانداری در مقطع دکتری تحصیل مي‌کرده‌اند. ایشان که ادعا دارند در زمان استانداری روزانه بيش از 18 ساعت به مردم خدمت مي‌کردند. آنان که دانشجوي واقعي دکتری در کشور هستند مي‌دانند که براي تحصیل در اين مقطع چقدر بايد زحمت کشيد و وقت گذاشت. پس بهتر است ایشان مشخص کنند به راستي کي به اين مهم پرداخته‌اند؟

2) از جمله تعهداتي که پس از قبولي یک دانشجو در دانشگاه‌هاي کشور در مقاطع تحصيلات تکميلي از وي گرفته مي‌شود (لااقل در دانشگاه علم و صنعت که اينجانب دانشجوي آن بوده ام خود و بقيه آن را امضا کرده ايم) حضور تمام وقت دانشجو در دانشگاه و نپرداختن به کار غير توسط وي است. حال سوالي که مطرح مي‌شود اين است که چگونه آقاي احمدي نژاد هم دانشجوي مقطع دکتری بوده‌اند و هم استاندار؟ توضيح اينکه متوسط تحصیل در دوره دکتری در رشته‌هاي فني در کشور حدود 5 سال است که براي آقاي احمدي نژاد حد فاصل سال‌هاي 1371-1376 مي‌شود که ایشان 4 سال از اين مدت را استاندار بوده‌اند.

3) مورد ديگري که شايد بتواند به روشن تر شدن برخي ابهامات پرونده تحصيلي ایشان کمک کند، استاد راهنماي ایشان در مقطع دکتری است. استاد ایشان آقاي دکتر بهبهاني، وزير کنوني راه بوده‌اند. نقل مي‌کنند که روز دفاع از پايان نامه به گفته يکي از داوران ایشان در جلسه‌اي در اردبيل بوده و دکتر بهبهاني (استاد راهنماي ایشان) اعلام مي‌کند که آقایان شما که احمدي نژاد را مي‌شناسيد همه مي‌گويند بله و ایشان مي‌گويد پس صلوات بفرستيد و همه مي‌فرستند. بدون دفاع هيات ژوري پايان نامه را تصويب مي‌کنند بعداً اين مسئله به دکتری صلواتي معروف شد (نقل به مضمون از دکتر شيرزاد در روز انلاين). اصل پايان نامه اصلاً کپي از چند مقاله بوده است. توجه به سوالات بالا و نيز سمتهاي که دکتر بهبهاني در دوره مدیریت آقاي احمدي نژاد در شهرداری (معاون شهردار) و دولت (وزير راه) داشته‌اند شايد بتواند کمی به روشن تر شدن موضوع کمک کند.. آیا اينها براي تشکر از مرحمت استاد در طی دوران غيرحضور تحصيل نيست؟

اميد است آقاي دکتر؟ احمدي نژاد و يا اعضاي ستاد ایشان براي تنوير افکار عمومي و روشن شدن موضوع به اين ابهامات پاسخ دهند.

مریم یوسفی مبارز آزادیخواه، کنشگر جنبش زنان و عضو شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران به خاموشی گرائید!

مریم یوسفی (دست راست) اداره کننده کنفرانس 8 مارس. 2007 در  پاریس
همراه باخانم برنیس دوبوا (Bernice Dubois) از فعالان پرسابقه و
پرکار جنبش زنان فرانسه

با بهت و ناباوری و اندوه بسیار خبردارشدیم که مریم یوسفی مبارز
آزادیخواه، کنشگر پرشور جنبش زنان، عضو شورای هماهنگی جنبش
جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران و یار همراه ارجمندمان شیدان
وثیق به یکباره به خاموشی گرائید.

مریم علاوه بر آن که سالیان دراز از مبارزان خستگی ناپذیر جنبش
آزادیخواهی، کنشگر حقوق بشر و جنبش زنان در ایران بود و با احزاب
و مجامع حقوق بشری فرانسه همکاری پرباری داشت، از نخستین همراهان
جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران بود که نقش فعالی بویژه
در تکاپوهای محلی این جنبش در پاریس ایفا کرد. مریم از سومین
گردهمایی سراسری در بروکسل به این سو به عنوان عضو منتخب شورای
هماهنگی برگزیده شد و بر دامنه فعالیت های سراسری اش افزوده شد.
درگرماگرم پیکار جدید و گسترده مردم ایران برای خلاصی از چنگ
استبداد دینی حاکم بر کشورمان، مریم که خود در پشتیبانی از این
مبارزات بسیار فعال بود، به ناگهان یار خود، همراهان و دوست
دارانش را تنها گذاشت و به آرامشی جاودانه فرو رفت.

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران این ضایعه
اسف بار را به شیدان عزیز، میترا یوسفی خواهر گرامی اش و دیگر
بستگان و نزدیکان او، و به تمامی همراهان جنبش جمهوری خواهان
دمکرات و لائیک ایران، کنشگران جنبش زنان ایران و تمامی مبارزان
راه آزادی و عدالت تسلیت میگوید و خود را در اندوه از دست رفتن
او عمیقاً شریک میداند.

یادش گرامی و آرمان های بشر دوستانه اش پر رهرو باد!

جبهه ی متحد دانشجویی:

فراخوان به شرکت در راه پیمایی های روز ۱۸ تیر

در آستانه دهمین سالگرد قیام دانشجویی ۱۸ تیر و در اعتراض به خاک و خون کشیده شدن کوی دانشگاه تهران و سایر دانشگاه ها و کشتار تعدادی از دانشجویان و افراد بی دفاع توسط نیروهای امنیتی رژیم و حزب الهی های بسیجی در ۲۲ خرداد، هواداران جبهه متحد دانشجویی طی فراخوانی از همه دانشجویان، کارگران، فرهنگیان، فعالین حقوق زنان، فعالین حقوق بشر و ایرانیان آزاده ای که برای آزادی و حقوق انسانی خود مبارزه می کنند؛ دعوت می کنند که در حمایت از زندانیان سیاسی و گرامیداشت یاد شهدای ۱۸ تیر و شهدای کودتای ننگین ۲۲ خرداد در "راهپیمایی سکوت" روز پنجشنبه ۱۸ تیر ساعت ۸ غروب شرکت نمایند.

مسیر های راهپیمایی به قرار زیر می باشند:

تهران: پنج منطقه اصلی:

مسیر شماره ۱- مرکز تهران در نزدیکی سفارت روسیه - میدان فردوسی.

مسیر شماره ۲- خیابان ستارخان - میدان صادقیه.

مسیر شماره ۳- خیابان مولوی - میدان رازی.

مسیر شماره ۴- خیابان رسالت - میدان رسالت.

مسیر شماره ۵- خیابان میرداماد - تقاطع مدرس

اسلامشهر: خیابان باغ فیض

ورامین: میدان اصلی ورامین

ری: میدان شهری

رباط کریم: مقابل شهرداری

شهریار: خیابان ولیعصر

فیروزکوه: میدان امام

لوااسانات: بلوار امام خمینی

پیشوا خیابان شریعتی

قرچک ابتدای خیابان محمدآباد

هشتگرد: خیابان امت
پاکدشت خیابان شهید قمی
شهر قدس : میدان قدس
ملارد : بلوار رسول اکرم
دماوند بلوار خامنه ای
نظرآباد میدان شهدا
کرج خیابان اصلی گوهردشت

آذربایجان شرقی:
تبریز خیابان اصلی راسته بازار و مقابل دانشگاه
مراغه : خیابان خواجه نصیر
میانه : خیابان امام خمینی
مرند : خیابان امام خمینی
ملکان : خیابان امام خمینی
هشترود : خیابان امام خمینی
شبستر : خیابان گلشن راز
جلفا : خیابان ولیعصر
سراب : خیابان امام خمینی
اهر : خیابان شهید رجایی

آذربایجان غربی:
ارومیه خیابان خیام
مهاباد : خیابان جمهوری اسلامی
سلماس : خیابان امام
نقده : خیابان شهید علمی
ماکو ، خیابان امام
بوکان : میدان فرمانداری

اردبیل مقابل استانداری
خلخال: خیابان امام
مشکین شهر: خیابان امام
پارس آباد: خیابان امام
بيله سوار: خیابان امام
گرمی: خیابان امام
سرعین: مقابل آب گرم گاومیش گلی
کوثر: خیابان امام
نیر: خیابان امام
نمین: خیابان امام

ایلام خیابان مسجد جامع
آبدانان خیابان طالقانی
دره شهر خیابان امام خمینی
ایوان خیابان امام
بوشهر خیابان طالقانی
چهارمحال و بختیاری:
شهرکرد میدان انقلاب
فارسان خیابان شهید بهشتی
لردگان خیابان چشمه برم
بروجن میدان امام حسین
کوهرنگ خیابان مرکزی
شلمزار خیابان رسالت
خراسان جنوبی:
بیرجند خیابان مدرس
خراسان رضوی:
مشهد پارک ملت و میدان احمدآباد
سبزوار : خیابان کاشفی
قوچان : میدان توحید
نیشابور : میدان ایران
بردسکن : میدان مرکزی
چناران : میدان بسیج
تربت جام : میدان مرکزی
خاف : میدان خاتم الانبیا
فریمان : میدان امام رضا
سرخس : میدان مرکزی
تایباد : میدان مرکزی
گناباد : میدان امام ، رشتخوار : میدان شهرداری
بجستان : خیابان بهشتی
تربت حیدریه : میدان مسجد جامع
درگز : میدان گلها
شاندیز و طرقبه : میدان امام خمینی
کاشمر : میدان مرکزی
خراسان شمالی:
بجنورد چهارراه مخابرات
جاجرم : خیابان شهید بهشتی
گرمه : خیابان ولیعصر
ایور : خیابان ولیعصر

اسفراين : خيابان معلم
فاروج : خيابان شهيد موفق
آشخانه : خيابان شهيد بهشتي

خوزستان:

اهواز خيابان نادري و پل اهواز
دزفول : خيابان امام خميني
شوشتر : خيابان امام خميني
آبادان : خيابان وليعصر
ايزه : خيابان امام خميني
باغملک : خيابان بهشتي
قلعه تل : خيابان ۲۲ بهمن
ماهشهر : ناحيه صنعتي
مسجد سليمان : خيابان آزادي
لالی : خيابان معلم
گتوند : خيابان آزادي
بهبهان : خيابان عدالت
شادگان : خيابان امام خميني
رامهرمز : ميدان آزادي
شوش : ميدان هفت تير
اندیمشک : خيابان امام خميني

زنجان:

زنجان خيابان سعدي

سمنان:

گرمسار : ميدان امام
شاهرود : خيابان ۲۲ بهمن
سمنان : ميدان سعدي
دامغان : ميدان امام

فارس:

شيراز خيابان حافظ و خيابان ملاصدرا
آباده : خيابان امام
اقلید : ميدان شهدا
لار : خيابان طالقانی
جهرم : ميدان شهدا
فسا : روبروی فرمانداری

داراب : میدان انقلاب
نیریز : میدان ۱۵ خرداد
استهبان : خیابان امام
فیروزآباد : خیابان روزبه
سروستان : فلکه شیخ
لامرد : میدان امام

قم خیابان ارم

کردستان:

سنندج خیابان ششم بهمن
سقز : خیابان جمهوری
دیواندره : خیابان امام
بانه : خیابان امام ، مریوان : خیابان رجایی
بیجار : میدان اصلی

کرمان: میدان بسیج
رفسنجان : خیابان شهدا
سرجان : بلوار دکتر صادقی
ماهان : خیابان امام خمینی
کهنوج : بلوار بهشتی
بافت : خیابان امام خمینی
زرنند : میدان بسیج
جیرفت : میدان آزادی
بم : خیابان امام خمینی

کرمانشاه خیابان طالقانی و شش بهمن و میدان فرهنگیان
کنگاور : میدان امام
دهدشت : میدان مرکزی
صحنه: میدان مرکزی

کهکیلویه و بویراحمد:
یاسوج خیابان استاد لنده میدان مرکزی شهر
گچساران : خیابان شهید بلادیان
سوق : خیابان امام

گلستان:

گرگان فلکه کاخ
گنبد کاووس : فلکه مرکزی

آق قلا : خیابان باهنر
آزادشهر : میدان مرکزی
کردکوی : خیابان امام
بندرگز : خیابان امام
بندر ترکمن : خیابان آزادی
علی آباد : خیابان امام خمینی

گیلان:

رشت خیابان منظریه و میدان گلسار
انزلی : میدان امام
لاهیجان : میدان امام
کیاشهر : خیابان امام
رودسر : خیابان امام
هشتپر : خیابان امام
آستارا : مقابل اداره آموزش و پرورش
فومن : میدان مرکزی شهر

لرستان:

خرم آباد خیابان خرم رود و فرمانداری
دورود : بلوار ۶۰ متری
بروجرد : خیابان شهدا
کوهدشت : خیابان فردوسی
نورآباد : خیابان امام
پلدختر : خیابان امام

مازندران:

ساری وسط خیابان انقلاب آخر خیابان قارن
چالوس خیابان رادیو دریا
بابل : مقابل دانشگاه صنعتی نوشیروانی
آمل : خیابان امام رضا
نوشهر : میدان همافران
بابلسر : خیابان رجایی
قائم شهر : میدان طالقانی
سوادکوه : میدان شهدا
بهشهر : پارک بوستان سرو
تنکابن : بلوار جمهوری
رامسر : خیابان مطهری
نکا : چهارراه امام

مرکزی:

اراک میدان ولیعصر
ساوه : خیابان شریعتی
خمین : خیابان شریعتی
تقرش : خیابان امام خمینی
کمیجان : خیابان معلم
دلیجان : خیابان طالقانی
محلات : روبروی دانشگاه آزاد
آشتیان : خیابان امام

همدان میدان بوعلی
نهاوند : میدان ابوذر
تویسرکان : خیابان شهدا
ملایر : چهارراه خیام

هرمزگان:

بندرعباس روبروی مجتمع ستاره جنوب
کیش : خیابان سنایی
قشم : بلوار ۲۲ بهمن
حاجی آباد : میدان امام
میناب : خیابان شهید امینی

یزد خیابان پرفسور حسابی
طبس : میدان امام خمینی
باق : خیابان وحشی بافقی
میبد : خیابان امام خمینی
مهریز : بلوار هفتم تیر
اردکان : میدان شهدا
تفت : میدان امام
اردکان : میدان امام

اصفهان:

اصفهان خیابان چهارباغ بالا و دروازه شیراز
کاشان میدان پانزده خرداد
سمیرم : خیابان قدس
مبارکه خیابان امام
نائین : خیابان امام
شهرضا : میدان شهدا

نطنز : خیابان امام خمینی
نجف آباد : روبروی دانشگاه آزاد
خوانسار : خیابان امام
گلپایگان : سه راه سعیدی

سیستان و بلوچستان:
زاهدان خیابان آزادی
چابهار : بلوار امام
زابل : خیابان فردوسی
ایران شهر : خیابان ولایت
خاش : خیابان امام

قزوین مقابل استانداری

بگذار برخیزد مردم بی لب خندا! بگذار برخیزد!

گزارشی از روزنامه دانشجویی بذر:
از من سؤال کرده بودی: همه جا اولین چیزی که پرسش می شود اینست که بنظرتان چه می شود؟ چقدر مردم دوام می آورند؟ پس طبقه کارگر کجاست؟ چرا اقشار فقیر در صحنه کمرنگ هستند؟ آیا هنوز هم باید با موج سبز مرزبندی کرد؟ اجازه بهم بده اونجور که اوضاع رو می فهمم برات بگم. برنامه های روزانه مان اساساً، بر تجمع های روزانه چیده می شود. تا وقتی توی خونه نشستم دل تو دلم نیست. می خوام برم بیرون. فکر می کنم امروز کجا برم. چه کار کنم. چی میشه. چقدر از مردم میان؟ طاقتم نمی گیره. می زنم بیرون.

این روزها چهره همه چیز تغییر کرده. وقتی راه میری همه به هم نگاه می کنن. از تیپ و قیافه مردم می شه فهمید که امروز می خوان برن تجمع یا نه شهر یک شکل دیگه است. آدم هر لحظه انتظار یک اتفاق رو می کشه. این روزها ترجیح می دم با وسایل نقلیه عمومی تردد کنم. همه جا صحبت از اتفاقات اخیریه. دیگه طرفداران احمدی

نژاد جرأت نمی‌کنن حرف بزنین، اما همه تا سر صحبت باز می‌شه نظراتشونو می‌گن.

خیلیها شاکیان از صدا و سیما که چرا انقدر وقیحانه دروغ می‌گن، چرا انقدر مردم رو احمق فرض می‌کنن، جوونا دارن تو خیابونا کشته می‌شن اما اینا صبح تا شب فیلم پخش می‌کنن، یک عده معتقدن که همینه که هست، چرا جوونا کشته بشن، اما تعداد این افراد زیاد نیست. زن جوانی امروز می‌گفت اگه این خیزش بخوابه این حکومت مثل طالبان میشه. دیگه مجبورمون می‌کنن برقع و چادر سرمون کنیم، صاف صاف توی چشممون نگاه می‌کنن و دروغ می‌گن، دیگه وقاحتشون از حد به در شده، بعضی از مردم عادی که زیاد هم توی تجمع‌ها نبوندن و فقط به ظاهر اوضاع و اتفاقات نگاه می‌کنن، وقتی که خیزش‌ها کمی از شدتش کم شد گفتن دیگه تمام شد و سرکوب شد، در مقابل بحث‌هایی که

باهشون میشد پاسخی نداشتن، می‌گفتن نتیجه نمی‌ده، البته شاید فقط به حریم کوچک زندگی خودشون نگاه

می‌کنن که دلشون نمی‌خواد ادامه پیدا کنه، عده‌ای معتقدن که آخوندها مکارن و سیاستمداریشونو تو مکتب انگلیس یاد گرفتن و عین اونا خوب می‌دونن که برای نگه داشتن قدرت چه کنن.

میگن شاه خیلی با مردم مقابله نکرد و فرار کرد، اگه اون موقع "صد هزار" نفر کشته شدن تا انقلاب شد اما ایندفعه "حداقل ۳۰ میلیون کشته میشن". یک نفر گفت اگر هم ادامه پیدا نکنه اینا انقدر از روشنفکرا، دانشجوها، فعالین سیاسی، مردم عادی و جوونا می‌کشن که همون ۳۰ میلیون بشه، پس بهتره بجنگیم تا چیزی به دست بیاریم و دلمون نسوزه که همه چیز باز به دست اونا افتاد و مطمئنم که تلافیات هرگز به این اعداد نخواهد رسید.

در روزی که تجمع مقابل مسجد قبا بود با اتوبوس به سمت اونجا حرکت کردم. در قسمتی که سوار شدم، از ۱۰ نفری که بودن ۷ نفر داشتن می‌رفتن به مراسم، هر چه که به میدان محسنی می‌رسیدیم حالت غیر عادی مشهود بود. گاردی‌ها، بسیجی‌ها، توی قسمت عقب ماشینهای ون، یک قفس‌هایی گذاشته بودن و درشم باز بود. به قول رفیقی می‌گفت می‌خوان زیاد زحمت ندن به خودشون و راحت تا گرفتن بچپونن اون تو، زنی که معلوم بود که ساکن این منطقه اس با تعجب گفت چرا اینقدر شلوغه؟ زن سالمندی که عصا به دست داشت برای چندمین بار با صدایی رسا از چند نفر در مورد ایستگاه حسینیہ ارشاد که محل برگزاری مراسم بود پرسید، زن سالمند گفت میدونید که امروز هفتم دناست! یکی پرسید دنا کیه؟ زن سالمند جواب داد: چطور نمی‌دونین؟! همون دختری که جلوی چشم همه غرق خون شد، به حسینیہ ارشاد که نزدیک می

شدیم صدای رسای شعار دادن تجمع کنندگان به گوش می رسید. "مرگ بر دیکتاتور".

مردم در دو سمت پیاده روها حرکت می کردند و گاردی ها هم در کنار خیابان و روی تمام پشت بامهای اطراف کیپ تا کیپ وایساده بودن. خیابان شریعتی هم کیپ تا کیپ ماشین بود و ترافیک شدیدی بود. راننده ها هم در همبستگی با مردم دست روی بوق گذاشته بودن و نیروهای گاردی و بسیجی هم حسابی کلافه بودند و سعی می کردند که راه رو باز کنند. جوانی توجهم را جلب کرد. در لابلای ماشینها و در حالیکه در اطراف پر از نیرو بود دستهایش را به سمت بالا حرکت می داد به معنی همراهی مردم و شعار دادن. انقدر مصمم و جسورانه این کار را می کرد که فکر کردم یعنی واقعا این دیکتاتورها و مستبدا امیدوارند که با سرکوب چنین جوانانی بر قدرت بمانند.

مردمی که از سمت پایین داشتن میومدن بالا، به بقیه می گفتن که آروم و بدون دویدن بیاین به سمت بالا چون دارن همینجوری کتک می زنن و میان اینطرف. از اوج گرفتن صدای شعارها می شد فهمید که دارن کتک می خورن و برای مقابله فریادشونو بلند تر می کنن. وقتی که اتفاقات قبل از انتخابات تا کنون را بازنگری می کنم می بینم که در این ۳ هفته چه تغییراتی صورت گرفته. چه رادیکا لیسمی در مردم پدید آمد و رشد کرد. انرژی و پتانسیل جوانها که اکثریت جمعیت را تشکیل می دهند چون آشفشانی که سالها خاموش بود غلیان کرد. رفیقی می گفت: مادرم در ۳۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی رای نداده. اما امسال رای داد که چنین شد و حالا آنقدر مصمم هر روز با من به خیابان میاید و شعار می ده که به زور می برمش خونه. گفت موسوی بهانه شد برای آشکار شدن آتش زیر خاکستر. در روزهای اول اعتراضات باز هم شعارها و اعتراضات مردم همچنان رنگ و بوی سبز می داد. اما حالا دیگه تعداد سبزها هم کم شده. تا قبل از انتخابات دعوا بر سر دو کاندیدا بود و کری خوندن طرفدارا. اما حالا دیگه همه همه جا خیلی راحت از بر اندازی صحبت می کنن. می گن دیگه بسه هر چی خوردن و کشتن، بردن. اگه ساکت بشینیم هر کاری بخوان باهامون می کنن. چیزی که خیلی توی این اعتراضات مشهوده حضور خانوادگی مردم و سنین و تیپ های مختلفه و این خیلی مهمه افراد مسن با عصا، حضور وسیع و پر شور و شجاع جوانا، مادرها با بچه هاشون. اینها همه نشانه انگیزه بالای مردم برای تغییره. در جلوی مسجد قبا دوستی می گفت: "بابا این دخترا چکار می کنن تو این درگیریها، همش اون جلو هستن". گفتم آخه انگیزه هاشون خیلی زیاده. گفت آره! راست گفتن که انقلاب آینده ایران به دست زنهاست.

به هر حال این موضوع کاملا مشخصه که نگاه مردم به اتفاقات و

مبارزات اخیر به جور نیست. به جز اقلیت بسیار کمی که در این رژیم منافع دارند و می‌خوان همه چیز زود سرکوب و تموم شه در بین مردم عادی با وجود نظرات مختلف بر سر ادامه این خیزش یا سرکوب آن یک مسئله مشترک و اونم اینه که دیگه ادامه راه با این رژیم خیلی سخته. همانطور که در بالا گفتم عده ای معتقدند که مردم مگه چقدرن و چقدر می‌تونن دوام بیارن. بالاخره خسته می‌شن. می‌تونم بگم که این افراد کسانی هستند که فقط به ظاهر قضایا نگاه می‌کنن و عمق و پشت پرده رو نمی‌بینن. عده ای دیگه می‌گن مردم الان طاقت و توان انقلاب رو ندارن و براش آمادگی ندارن و این خیزش جز کشته شدن و دستگیری برای مردم چیزی در بر نداره. عده خیلی کمی می‌گن مردم فقط باید مسلح بشن. هیچ راه دیگه ای نیست. وقتی دشمن مردم با سلاح میاد برای سرکوب، با شعار و سنگ نمی‌شه از خودمون دفاع کنیم. اما بعضیها جواب می‌دن که نه مردم نباید مسلح بشن وگرنه دیگه معلوم نیست چی بشه. هرج و مرج میشه اگه قرار باشه هر کس تو خیابون راه بیفته و یک اسلحه دستش بگیره مگه میشه؟

دیگه حرفی از موسوی نیست. دیگه نماد های سبز خیلی کم شده. اگر چه هنوز عده ای هم در داخل و هم در خارج خیلی به این موج سبز دخیل بستن، اما مردم فهمیدن که بعد از ۳ هفته امید داشتن به موسوی یک توهمه و دیگه هیچ. اون نشسته تو خونه اش یا در حال نامه نوشتن به کسانی است که سی ساله این وضع رو برای ما بوجود آوردن. مردم دارن می‌جنگن. اونم با چنگ و دندان. به قیمت جانشون. هر از گاهی یک بیانیه میده که بوی گند سازش همه جا رو بر داشته. کم کم هم در آینده می‌گه که من از حقم می‌گذرم، مردم شما هم گذشت کنین.

اما مردم دیگه خواسته هاشون فراتر رفته. دیگه به مردم ثابت شده که واقعا با یک دیکتاتوری عریان و حکومت سراپا مرتجع روبرو هستن. وقتی به خلیها میگی چرا هنوز برای موسوی شعار میدی؟ می‌گن دیگه چاره نیست. باید یک بهانه داشته باشیم. پس اسم چه کسی رو بیاریم. رهبر دیگه ای نیست، موسوی رو قبول نداریم، اما برای بیرون ریختن بهانه ای باشه، می‌گیم موسوی.

مهمترین مسئله در حال حاضر این است که مردم نیاز به یک رهبری برای هدایت مبارزاتشان دارند. این مسئله روشن می‌کنه که اونایی که مدعی مبارزه علیه استبداد و دیکتاتوری و حکومت ضد مردمی هستن چه وظیفه سنگینی روی دوششونه. از فعالین کارگری، دانشجویی، زنان، معلمان و همه کسانی که خواهان انقلاب و دگرگونی هستن باید در جهت هدایت مردم و جوانانی که توی این مبارزات نشون دادن که چقدر با انگیزه و جسورن قدم بر دارن. مبارزات خودجوش مردم باید شکل آگاهانه بگیره تا بتونه به شکل پیوسته ادامه پیدا کنه. اونایی که

با کم شدن شدت اعتراضات زود پاسیو شدن و گفتن دیگه سرکوب شد باید بهشون گفته بشه که مبارزه افت و خیز داره. همیشه یکنواخت نیست. هر جوری که شروع بشه به همون صورت ادامه پیدا نمی کنه و تموم نمی شه. مردم در طی یک مبارزه خیلی نظراتشون تغییر پیدا می کنه و رشد می کنه. در مبارزات اخیر با وجود دستگیری های بیشمار و کشتار مردم، اما باز هم ادامه پیدا کرد. اونایی که موندن میشه گفت که جزو رادیکالترین افراد هستن و باید تلاش بشه تا آگاهیشون بالا بره و مبارزه شون به شکل سازمان یافته ادامه پیدا کنه.

نسل سومی ها و دومی ها باید از تجارب نسل اول استفاده کنن تا اشتباهات اونا رو در سال ۵۷ تکرار نکنن. باید به هر شکلی که ممکن هست در جهت هدایت مبارزات و آگاه کردن افکار مردم استفاده کرد. از بردن شعار و پلاکارد که جزو ابتدایی ترن کارهاست تا بحث های آگاه گرانه. باید بتوان هسته های محکم انقلابی از رادیکالترین نیروها، از جوانانی که شبانه با نیروهای رژیم در نبردند تا کسانی که در مبارزات به شکل منسجم و مداوم و رادیکال شرکت می کنند تشکیل داد و برنامه های انقلابی و مبارزاتی برای مقابله با نیروهای رژیم و هدایت مردم در مبارزات ریخت.

اکثریت مردم از شکاف بین سران رژیم آگاهند. باید جزئیات این اتفاقات و نقش کشورهای خارجی و ضعیف شدن رژیم به دلیل این اختلافات رو برای مردم توضیح داد. نکته ای که فکر می کنم خیلی مهمه اینه که اکثریت مردم در این دوره در مورد نقش کشورهای خارجی و بخصوص آمریکا خیلی آگاه بودن و می گفتن که آمریکا راه نجات مردم نیست. نباید از چاله جمهوری اسلامی در بیایم بیفتیم تو چاه اونا. می شیم مثل عراق و افغانستان و خوب این نشانه آگاه شدن مردم و بالا رفتن شعور سیاسیشونه. باید از تضعیف نیروهای نظامی به دلیل اختلافات و دو دستگی بین اونا رو برای مردم توضیح داد. وقتی رژیم برای سرکوب مردم از تمام نیروهای نظامی اعم از بسیج و سپاه و ارتش و گارد رهبری و لباس شخصی و ... استفاده می کنه یعنی آنقدر مردم قوی بودن که اونا مجبور شدن از همه نیروهاشون استفاده کنن. مردم باید از تضادی که بین سران رژیم به وجود اومده و تضادی که بین خودشون و رژیم هست به بهترین شکل ممکن استفاده کنن. نباید اجازه بدن که جناحی از حکومت سوار بر موج مبارزات مردم بشن و به نفع خودشون استفاده کنن. مهم ماهیت این رژیمه که نباید حفظ بشه. هر جناحی از حکومت که سر کار بیاد ماهیت اسلامی و ارتجاعی رژیم باقی می مونه. در ۳۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی تمام جناحها در دوره های مختلف بر سر کار اومدن و امتحان خودشون رو پس دادن. مردم به عوام فریب بودن و ستمگر و مستبد بودن رژیم دیگه شکی

ندارن و انتخابات بهانه ای شد تا اقیانوس خشم مردم به حرکت در بیاد.

در آستانه ۱۸ تیر سالگرد کشتار دانشجویان در رژیم اصلاح طلب خاتمی پس از ۱۰ سال و در ادامه مبارزات مردم، اینبار نگذاریم که مبارزات جوانان و دانشجویان خاموش گردد. به رادیکالترین شکل ممکن دهمین سالگرد شورش قهرمانانه دانشجویان در ۱۸ تیر را برگزار کنیم. وقایع ۱۸ تیر ۷۸ و برخوردهای رژیم را برای مردم باز گو و افشاگری کنیم تا همگان بدانند که حامی موسوی در انتخابات امسال خودش که بود و چه عقبه ای داشت.

به امید پیروزی! نه سازش، نه تسلیم، نبرد تا رهایی!
تاریخ: پنج روز مانده به دهمین سالگرد 18 تیر!—

هم میهنان، مبارزان و رزمندگان راه آزادی و دموکراسی

نام سرگشاده

هنوز به درستی معلوم نیست که در پشت پرده های سیاست داخلی و خارجی، چه بازی های تازه ای برای تجدید سلطه بر مردم ایران در حال شکل گیری است. با این وجود، شواهد موجود بر آنند که تضادهای درونی و بیرونی رژیم بسیار حاد شده و رژیم را در برابر یک دوراهی تقدیر، فروپاشی یا تجدید ساختار و سازمان، قرار داده است. در همان حال، سیاست جهانی در مورد ایران و منطقه نیز رو به تغییر نهاده، و این هر دو فرصت تاریخی دیگری فراهم آورده تا مردم ایران، دگرباره در بازسازی سرنوشت فردای خود شرکت کنند.

بدیهی است که این شرایط تاریخی، هم ما را در برابر یک دوراهی انتخاب قرار داده و مسئولیت وجدانی بزرگی ایجاد می کند. این بیانیه برای پاسخ درست به این مسئولیت، تنظیم شده و تقدیم می شود.

بر این اساس، از هم روشنفکران و مبارزان ایرانی دعوت می کنیم که با توجه به حساسیت شرایط تاریخی موجود:

1. در صورتی که با کلیات این نامه موافق هستید ضمن قید نام و

عنوان خود در ذیل این نام سرگشاده آن را از راه های ممکن به اطلاع مبارزان هم میهنان درون و برون مرز برسانید.

2. در صورتی که با متن نامه موافق نیستید به نام "آزادی بیان" نامه را با نامهای موجود در زیر آن برای دیگران ارسال و آن را منتشر فرمائید.

عزیزان همدرد!

به باور ما، در حال حاضر کشور و مردم ایران در برابر یک سه راهی سرنوشت سیاسی (و ناگزیر سرنوشت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) قرار گرفته و در ادامه این راه ها با یکی از شقوق زیر رو در رو خواهد شد:

1. در شق اول، «رژیم اسلامی» هر چه بیشتر به دو نیمه به اصطلاح «محافظه کار» و «اصلاح گر»، تقطیک خواهد شد. در آن صورت، نیمه ای بر تخت حکومت اسلامی باقی خواهد ماند و نیمه دیگر تا موعد نوبت خود، در جایگاه اپوزیسیون خواهد نشست. نیمه ای ظالم و نیمه ای مظلوم و شهید قلمداد خواهند شد. سوابق پیشین نشان می دهند که این دو با وجود تضاد منافع گروهی، معتقد به یک قانون اساسی و حکومت جمهوری اسلامی اند و از نظر منافع اساسی نظام اسلامی نیز متفق و متحد همدیگر به حساب می آیند. از همین رو، این دو نیمه،

- هم به وقت تهدید کلیت رژیم با هم کنار خواهند آمد و،
- هم از نظر دادن «آزادی ها و دموکراسی» در اساس هیچ فرقی با هم نخواهند داشت.

هم از این رو، این وضع جامع ما را در برابر «دو نظام جمهوری اسلامی» قرار خواهد داد، مردم ایران بین دو جمهوری اسلامی مثل توپ به بازی گرفته خواهند شد و امید رهایی از یوغ حکومت دینی و اسلامی در هر آیند نزدیک از بین خواهد رفت. این از دید رهایی از «حکومت دینی و اسلامی» بدترین آلترناتیو ممکن برای مردم نیازمند آزادی و دموکراسی است.

2. در شق دوم، یکی از این نیمه ها حذف، یا در آن دیگری ادغام خواهد شد. در این صورت، بی توجه به برد این یا آن نیمه اسلامی، اوضاع عمدتاً به روال سابق دوام خواهد آورد.

3. در شق سوم، مردم ایران با استفاده از تجربیات تاریخی بی که با اشک و خون فراوان به دست آمده است، این فرصت تاریخی را بی نتیجه از دست نخواهند داد و با تعمیق هرچه بیشتر مبارزات آزادی خواهانه خود، نهایتاً از دام «انتخاب میان بد و بدتر» رسته و جز به «انتخابات آزادی» که بر حکومت مردم بر مردم، حقوق بشر، عدالت قضائی و آزادی های اندیشه، بیان و سازماندهی سیاسی بنا می شود،

تن نخواهند داد. «آزادی و حقوق دموکراسی بدون هر گونه شرط و شروط و محدودیت دینی و اسلامی». در این صورت، هم رژیم اسلامی، اگر چنین رژیمی باقی بماند، و هم حامیان جهانی آن، خود را مجبور به دادن بخشی از این آزادی ها و حقوق خواهند دید.

این راه البته، تا قلاً سرفراز «براندازی رژیم اسلامی و برپائی نظام جمهوریت مردم» ادامه دارد و در صورت حفظ منطق و عقلانیت در تصمیم گیری ها و مبارزات سیاسی و اجتماعی، ادامه یافته و به سرمنزل مقصود خواهد رسید.

جوانان، مبارزان و آزادی خواهان

نگرشی ولو کوتاه به تاریخ 30 ساله گذشته، نشان می دهد که هم رهبران و بازیگران رژیم جمهوری اسلامی و هم نظام حکومتی دینی و اسلامی، مسئول تعرضات به حقوق مردم ایرانند. این ها همه، نه توان پذیرش حقوق و آزادی های مورد انتظار مردم را دارند و نه قادر به آشتی دادن این خواست ها با نظام حکومتی دینی و اسلامی خود هستند. از این رو، این آزادی ها و حقوق مورد انتظار مردم، جز از راه «براندازی تمامیت رژیم اسلامی» قابل تحقق نیستند.

اما، چنین به نظر می رسد که رژیم اسلامی تا حد و حدودی توانسته تا با استفاده از سانسور و خفقان تمام عیار خود، بخشی از افکار عمومی گروه هایی از مردم به جان آمده را قانع سازد تا نه کلیت رژیم، بلکه این یا آن چهره اسلامی را مسئول و مقصر این همه تعرضات و ظلم ها بدانند، دواي دردهای ناشی از تعرضات و مطالب رژیم اسلامی را در خود رژیم بجويند و از دست آلوده به ظلم و تعدی «این نیم» جمهوری اسلامی» به دست آلوده «نیم دیگر» پناه ببرند. جوانانی که انتخاب «بد به جای بدتر» را فرصتی برای آغاز اصلاحات می دانند، ممکن است به همان راه نسل پیشین بیفتند و «ندانسته و نخواسته»، خمینی دیگری بسازند و رژیم اسلامی یی بسازند که به تجربه و تحقیق، ماهیتاً فرق چندانی با این یکی نخواهد داشت.

هم از این رو، به باور ما، در این شرایط تعیین کنند تاریخ، مهم ترین کار و وظیفه ای که از دست و توان ایرانیان و به خصوص روشنفکران ساخته است، تحلیل و توضیح درست شرایط برای مقابله با چنین باورهای وارونه است. بر این اساس، ما امضاء کنندگان زیر از هم میهنان مبارز و آزادی خواه دعوت می کنیم تا:

1. از سوئی، با امید و شور و شوق انقلابی و بی توجه به سازش ها و بازی های تقسیم قدرت، به مبارزات آزادی خواهانه خود ادامه داده و با شرکت فعال در مبارزات و تظاهرات مردم برای کسب آزادی و علیه دیکتاتوری، تا می توانند کالبد در حال فروپاشی رژیم اسلامی (و تمامیت رژیم اسلامی) را زیر ضربه بگیرند. این فرصت برای کسب حقوق

و آزادی ها بسیار پربها و به هر بهائی از دست ندادنی است.

2. از سوی دیگر، این فرصت مبارزاتی را برای توضیح عملکرد رژیم و رژیمیان در طول 30 سال گذشته، چگونگی تضادهای عام کلیت رژیم و رژیمیان با مردم و مسئولیت تمامیت رژیم و رژیمیان به کار برند. مواظب باشیم که خود یا دیگران به عنوان مهرِ بازی این؛ یا آن نیمه رژیم و رژیمیان مورد استفاده قرار نگیریم و با مراجعه به حافظِ تاریخی موجود، نه فقط «نیمِ بد یا بدتر»، بلکه «کلیت رژیم و رژیمیان» را به عنوان مسئولان سرکوب ها، سلب آزادی ها و تقلبات انتخاباتی این 30 سال گذشته، مسئول شناخته و مورد خطاب قرار دهیم.

یقین داریم که از طریق مبارزِ تاریخی «آگاهانه و هشیارانه» خواهیم توانست به همراه هم، خواست ضرورت «براندازی تمامیت رژیم اسلامی» و «برقراری یک نظام سیاسی لائیک قادر به تأمین آزادی و دموکراسی برای همه» را به میان توده ها برده، و با فائق آمدن بر اثرات ناشی از سانسور و سرکوب رژیم، به همراه هم، فردای متفاوتی انشاء کنیم.

امضاء کنندگان:

- 1- رضا آیرملو، نویسنده و پروفیسور دانشگاه، سوئد
- 2- ژیللا مساعد، شاعر و نویسنده، سوئد
- 3- اسماعیل اوجی، مهندس برق و الکترونیک، فعال فرهنگی، سیاسی و حقوق زنان، سوئد